

دردپراه

رصد دیدگاه‌ها و راهبردهای اندیشمندان
مسائل فرهنگی و اجتماعی

دفتر مطالعات فرهنگی جهاد دانشگاهی

گزارش شماره ۶ | تاریخ انتشار آبان ماه ۱۴۰۱

انتشار محدود (ویژه مدیران فرهنگی جهاد دانشگاهی سراسر کشور)

وَلْيُحِبِّهِمْ إِلَهُ الدِّينِ وَلَا يَتَّبِعْ
قَوْلَ الْغَالِبِ

— ॐ नमो भगवते वासुदेवाय —

بیانات

- گزیده بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری «امنیت؛ زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است» ۱
- گزیده بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی «هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است» ۵
- حکمت بعثت انبیا این است آن نقصی را که ذاتاً ادراکات انسان دارد جبران و تکامل بخشد ۹

نظام و رهبری

- درآمدی بر نظر و عمل رهبری معظم انقلاب در امر وحدت اسلامی ۱۴
- امروز باید برای نسلی تبیین کنید که دیگر گوش شنوا ندارد ۱۶
- در چشم‌انداز قرآن صلح یک «قاعده» و جنگ «استثنا» است ۱۹

فرهنگ و دانشگاه

- تقویت سواد مجازی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است ۲۲
- علوم انسانی امکان مدارا و فرهنگ گفت‌وگو را در جامعه فراهم می‌کند ۲۴
- اصلاح ساختارهای معیوب فرهنگی کشور در اولویت کارها قرار گیرد ۲۶

- باید الهام بخشی، آگاهی بخشی، نزدیک شدن به جوانان در دستور کار جدی قرار
گیرد ۲۸
- مقوله تخصص گرایی در جامعه ما جا نیفتاده است ۳۱
- شفاف سازی توسط نخبگان دانشگاهی، مهمترین راه مقابله با فتنه است ... ۳۵
- در حوزه اطلاع رسانی، تبیین و تحقق کرسی های آزاد اندیشی ضعف جدی
داریم ۳۸
- ضعف ادبیات نظری در نگارش رمان و داستان بر محور پیامبر اسلام ۴۰
- فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه باید توسط دانشجویان و
تشکل ها صورت گیرد ۴۲

فرهنگ و جامعه

- بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی از سوی رهبری، ناشی از یک ضرورت اجتماعی
است ۴۵
- حوزه فرهنگ از اولویت های اصلی حکمرانی است ۴۷
- مسئول تراز انقلاب اسلامی باید دغدغه فرهنگی داشته باشد ۴۹
- خودگذشتگی، سعه صدر و فداکاری از ملزومات اولیه وحدت و اتحاد است ... ۵۱
- دروغگویی در بستر نفوذ فکری و فرهنگی رخ می دهد ۵۵
- وقتی حریم های اجتماعی برداشته شوند ضریب حیا کم می شود ۵۶

گشودن پنجره‌های گفت‌وگو با نسل جدید لازم است..... ۵۹

جایگاه تجربه عرفانی در اندیشهٔ دینی غرب..... ۶۱

سنجش احساس خشم در مردم ایران..... ۶۳

گزیده‌ها

گزیده دیدگاه‌ها و راهبردها..... ۶۴



گزیده بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری

«امنیت؛ زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است»

گزیده بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان افسری

«امنیت؛ زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است» ۱۴۰۱/۰۷/۱۱

● حضور جوانان ایرانی در همه‌ی زمینه‌ها امیدآفرین است. جوانها هر جا که وارد میشوند، در هر مجموعه‌ای، در هر سازمانی که وارد بشوند، در واقع پیام استحکام و نوسازی آن مرکز را با خود همراه دارند.

● همت جریان تبلیغاتی این است که وانمود کند جوان ایرانی از ارزش‌ها گسسته است و به آینده ناامید است و احساس مسئولیت نمی‌کند.

● نسل جوان ما در همه‌ی عرصه‌ها و میدانها تا امروز دارای حرکت درخشنده بوده است ... این جوان نمی‌تواند ناامید باشد، این جوان نمی‌تواند گسسته‌ی از ارزش‌ها باشد، این جوان یک نیروی خستگی‌ناپذیر در وسط جبهه است و البته جوانان انقلابی و باایمان در همه‌ی این موارد پیشتاز بودند.

● یکی از ستونهای محکم در تقویت کشور، نیروهای مسلح هستند. البته تقویت کشور فقط به نیروی مسلح، وابسته نیست؛ ستونهای محکم دیگری هم هستند.

● مسئولان نیروهای مسلح باید راهکارهای نو و روزآمد را برای تقویت نیروهای مسلح در پیش بگیرند که از جمله‌ی آنها هوشمندسازی در آموزش‌ها و در ابزارهای نظامی است.

● امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه‌ی تهاجم به یک ملت یا یک کشور است.

- امنیت؛ زیرساخت همه‌ی ابعاد زندگی یک جامعه است یک زیرساخت عمومی است؛ از مسائل شخصی بگیری، تا مسائل اجتماعی، تا مسائل عمومی، تا مسائل خارجی؛ امنیت زیرساخت همه‌ی اینها است.
- هر جایی که پیشرفتی حاصل شده است به برکت وجود امنیت بوده است؛ بدون امنیت، کار دشوار میشود، سخت میشود ... امنیت زیرساخت همه‌ی این چیزها است.
- ارتش یک جور، سپاه یک جور، سازمان انتظامی یک جور، بسیج یک جور، هر کدام به نحوی تأمین‌کننده‌ی امنیت هستند. تضعیف سازمانهای نیروهای مسلح، تضعیف امنیت کشور است.
- امتیاز بزرگ کشور ما این است که امنیتی که داریم، امنیت درون‌زا است. فرق دارد که یک کشوری، یک ملتی، از درون خود، با نیروهای خود، با قدرت خود، با اندیشه و فکر خود برای خودش امنیت ایجاد کند.
- در این حوادث چند روز اخیر، بیش از همه به سازمان انتظامی کشور ظلم شد، به بسیج ظلم شد، به ملت ایران ظلم شد؛ ظلم کردند.
- این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی شده بود.
- بصراحت می‌گویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند.
- چطور شما یک سازمان را، یک مجموعه‌ی عظیم خدمتگزار را، مورد تهمت قرار می‌دهید، مورد اهانت قرار می‌دهید برای احتمال اینکه یک خطائی از یک نفر یا دو نفر سر زده باشد که آن هم یقینی نیست و تحقیق نشده است؟
- کشور در حال پیشرفت به سمت قدرت همه‌جانبه است و این را نمی‌توانند تحمل کنند؛ این را احساس می‌کنند.
- می‌بینند که کارخانه‌های نیمه‌تعطیل به کار افتاده، می‌بینند که دانش‌بنیان‌ها فعال

شده‌اند، می‌بینند که تولیدات پیشرفته در بعضی از بخش‌ها روزه‌روز خود را دارد نشان می‌دهد، می‌بینند که کارهایی دارد انجام می‌گیرد که میتواند تهاجم تحریم را - که تنها اسلحه‌ی دشمن فعلاً تحریم است - خنثی کند.

● برنامه‌ریزی کرده‌اند برای دانشگاه، برنامه‌ریزی کرده‌اند برای خیابان؛ دشمن برنامه‌ریزی کرده که دانشگاه تعطیل بشود، نسل جوان سرگرم بشوند، برای مسئولین کشور مسائل جدیدی به وجود بیاید؛ در شمال غرب کشور، در جنوب شرق کشور مسائلی به وجود بیاید؛ اینها همه سرگرم‌کننده است.

● من در میان قوم بلوچ زندگی کرده‌ام؛ جزو اقوام وفادار عمیق به انقلاب اسلامی و به جمهوری اسلامی‌اند. قوم گُرد یکی از پیشرفته‌ترین اقوام ایرانی‌اند؛ علاقه‌مند به میهنشان، علاقه‌مند به اسلامشان، علاقه‌مند به نظام اسلامی‌شان.

● آنها فقط با جمهوری اسلامی مخالف نیستند، با ایران مخالفند؛ آمریکا با ایران قوی مخالف است، با ایران مستقل مخالف است. همه‌ی بحث آنها، همه‌ی دعوای آنها سر جمهوری اسلامی نیست؛ البته با جمهوری اسلامی بشدت و عمیقاً دشمنند، در این شگئی نیست.

● دعوا بر سر مسئله‌ی باحجاب و بدحجاب نیست؛ دعوا بر سر از دنیا رفتن یک دختر جوان نیست؛ دعوا اینها نیست. خیلی از این کسانی که حجاب کاملی هم ندارند، جزو هواداران جدی نظام جمهوری اسلامی هستند.

● شما می‌بینید که عنصر سیاسی آمریکایی این قضایا را به دیوار برلین تشبیه میکند، خوب باید بفهمید که غرض چیست؛ باید بفهمید که مسئله، مسئله‌ی دلسوزی برای یک دختر جوان نیست.

● جامعه‌ی ورزشی ما جامعه‌ی سالمی است، جامعه‌ی هنری ما هم جامعه‌ی سالمی است. عناصر مؤمن، علاقه‌مند، باسرف، در این جامعه‌ی ورزشی و هنری کم نیستند، زیادند؛ حالا چهار نفر هم یک حرفی می‌زنند؛ حرف آنها ارزشی ندارد.



امنیت درون‌زا امتیاز بزرگ کشور ماست

امتیاز بزرگ کشور ما این است که امنیتی که داریم، امنیت درون‌زا است... ما به هیچ کس برای امنیت خودمان متکی نیستیم. ما با نیروی خداداد، به لطف الهی، به توفیق پروردگار، به پشتیبانی ولی عصر (ارواحنا فداه)، به پشتیبانی ملت، با ایستادگی مسئولان نیروهای مسلح، این امنیت را توانسته ایم به وجود بیاوریم و حفظ کنیم. آن که به نیروی خارجی متکی است، همان نیروی خارجی او را در روز مبادا او خواهد گذاشت.

بیانات رهبر انقلاب در مراسم مشترک دانش‌آموزی
دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح

۱۴۰۱/۰۷/۱۱

گزیده بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی

«هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است»

گزیده بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی

«هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است» ۱۴۰۱/۰۷/۲۲

● شخصیت رسول اکرم شخصیت منحصر به فردی است در همهی عالم وجود؛ نقطه‌ی اوج این شخصیت؛ آن نقطه‌ی ارتباط قلب مطهر آن بزرگوار با معدن عظمت و عزت و حکمت الهی است. نقطه‌ی بعثت؛ است.

● عید گرفتن فقط جشن و ماندگاری و یادبود و مانند این چیزها نیست؛ عید گرفتن برای درس گرفتن است، برای الگو قرار دادن پیغمبر اکرم است.

● یک الگویی است که ما باید از این الگو تبعیت کنیم؛ در قلّه‌ای قرار گرفته، ما باید از این حوض به سمت آن قلّه پیش برویم، حرکت کنیم. بشر تا آنجایی که میتواند باید حرکت کند به سمت آن قلّه؛ اسوه یعنی این.

● امروز اگر شما در فلسطین رنج میکشید، در میانمار، در نقاط گوناگون دیگر مسلمانها رنج میکشند، بدانند این رنج، روح مطهر پیغمبر را به رنج و زحمت در می‌آورد.

● یک طرف آن وجود مقدسی است که «عَزِيزٌ عَلَیْهِ مَا عَنِتُّمْ»، یک طرف هم جبهه‌ای است که «وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ»؛ از رنج شما خوشحال میشوند، خرسند میشوند؛ از بدبختی شما، آنها احساس خوشبختی می‌کنند.

● علّت این رنج کشیدن و در موضع رنج کشیدن قرار داشتن مسلمانها چیست؟ ... عقب ماندگی علمی یکی از علل آن است؛ تن دادن به تسلّط استعمارگران یکی از علل است ... یکی از مهم‌ترین عوامل، تفرّق مسلمین است.

● امیرالمؤمنین در خطبه‌ی قاصعه مستمعین خود را به تاریخ ارجاع میدهد؛ میگوید ببینید گذشتگان، آن وقتی که با هم بودند، متفق بودند، چه عزّتی پیدا کردند، چه حالتی پیدا کردند، اما وقتی که از آن حالت یکپارچگی خارج شدند، آن عزّتی که داشتند، آن نعمتی که خدا به آنها داده بود، بر اثر اختلاف و تفرقه از آنها سلب شد.

● یک بذرِ فاسدِ سلّولِ سرطانی‌ای را در این منطقه به وجود آوردند به نام رژیم صهیونیستی ... این عادی‌سازی‌ها یکی از بزرگ‌ترین خیانت‌هایی است که به اسلام و مسلمین دارد می‌شود؛ ایجاد افتراق، ایجاد اختلاف

● روشنفکران، علما، نویسندگان، شعرا، فرزنانگان یک کشور، نخبگان یک کشور و خواص می‌توانند فضا را متفاوت کنند با آنچه دشمن میخواهد.

● مراد از وحدت، وحدت در حفظ منافع امت اسلامی است. اوّل تشخیص بدهیم منافع امت اسلامی کجا است، در چیست، بعد در این زمینه ملّتها با هم توافق کنند.. مراد این است؛ اشتراک عمل در برابر نقشه‌های استکبار

● منطقه‌ی ما اگر نگوئیم حسّاس‌ترین، یکی از حسّاس‌ترین مناطق دنیا است؛ اگر نگوئیم غنی‌ترین، یکی از غنی‌ترین مناطق دنیا این منطقه‌ی ما است؛ منطقه‌ی میانه‌ی آسیا و غرب آسیا و شمال آفریقا که منطقه‌ی اسلامی است؛ منطقه‌ی بسیار مهمی است.

● هندسه‌ی سیاسی عالم و سطح دنیا در حال تغییر است؛ امروز روزه‌روز بیشتر واضح می‌شود که نقشه‌ی سیاسی دنیا در حال تغییر است. آن مسئله‌ی یک قطبی بودن و زورگویی کردن یک قدرت - یا دو قدرت؛ فرق نمی‌کند - برکشورها و بر ملّتها و مانند اینها، مشروعیت خودش را از دست داده؛ یعنی ملّتها بیدار شده‌اند.

● حرکت زیرپوستی و آرام سلطه‌گرانه‌ی استکبار جهانی علیه ملّتها، دارد بتدریج مشروعیت خودش را به طور واضح از دست می‌دهد از نظر ملّتها؛ از اوّل که مشروع نبوده، لکن ملّتها نظرشان دارد نسبت به این روشن می‌شود.

● این حوادثی که در دنیای غرب، در اروپا دارد پیش می‌آید، این حوادث عادی نیست؛ اینها نشان‌دهنده‌ی یک تغییرات عمده است.

● ما حالا از سیاستمداران و زمامداران و حکمرانان کشورهای اسلامی هم ناامید نیستیم، اما بیشترین امیدمان به خواص دنیای اسلام است؛ آمریکا و شوروی سابق، با آن همه اختلافاتی که با هم داشتند، در صَدّیت با جمهوری اسلامی با هم متّفق بودند، هم‌رأی بودند. امام (رضوان الله تعالی علیه) در مقابل اینها ایستاد، تسلیم نشد، صریح گفت «نه شرقی، نه غربی»

● سختی فقط در ایستادگی نیست؛ تسلیم شدن هم سختی دارد، با این تفاوت که وقتی انسان ایستادگی میکند، سختی او، او را به پیش میبرد. ما سختی می‌کشیم، اما پیش می‌رویم. آن که تسلیم میشود، سختی میکشد، عقب‌رفت دارد، پیش‌رفت هم نمی‌کند.

● آن که اختلاف ایجاد میکند در خدمت دشمن است؛ فرقی [هم] نمیکند؛ در هر جایگاهی باشد، در هر مقامی باشد، در هر کشوری باشد. ما به این معتقدیم، ما به این عمیقاً اعتقاد داریم.

● ما مسلمانها این همه با هم وجه مشترک داریم: کعبه‌ی واحد، قبله‌ی واحد، نماز واحد، حجّ واحد، عبادات واحد، پیغمبر واحد، محبّت اهل بیت در همه‌ی دنیای اسلام؛ اینها وجوه مشترک ما است؛ از این وجوه مشترک بایستی عبور نکنیم.

مراد از وحدت اسلامی اشتراک عمل در برابر نقشه های استکبار است

پیامبر اعظم (ص) در آینه نهج البلاغه؛

حکمت بعثت انبیا این است آن نقصی را که ذاتاً ادراکات انسان دارد جبران و تکامل بخشد

خدای متعال انسان را در این عالم آفرید تا دائماً بر سر دو راهی‌ها قرار بگیرد و راه صحیح را انتخاب کند. سیر تکاملی خودش را با انتخاب و اختیار انجام بدهد. برای اینکه این انتخاب عاقلانه انجام شود لازمه اش این است که انسان، علم و شناخت و آگاهی داشته باشد. برخی از این شناخت‌ها بوسیله عقل حاصل می‌شود و بعضی‌هایش از دسترس عقل دور است و نیز مطالبی هم هست که حتی فیلسوفان و دانشمندان ولو با عقل بتوانند بفهمند اما غالباً از آن غفلت می‌کنند. برای اینکه اینها به حد یک آگاهی مطلوبی برسد غیر از عقل، عامل دیگری هم باید باشد که آنچه را عقل به آن نمی‌رسد به انسان تعلیم کند و آن‌هایی را که مورد غفلت قرار می‌گیرد؛ به یادشان بیاورد. هدف از این معرفت‌ها این است که انسان‌ها در مقام بندگی و اطاعت خدا بر آیند و او را بشناسند و بفهمند که باید خدا را پرستید و از او اطاعت کرد که کمال انسان در همین است. نتیجه اش این است که به سعادت ابدی نائل بشوند «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»^۱ پس آن نقشی که انبیا ایفا می‌کنند این است که کمک کنند به بشر تا خدا را بهتر بشناسد و بهتر بپرستد. اگر این دو تأمین شود بار بشر بسته است، چیز دیگر نمی‌خواهد. نهج البلاغه هم روی همین مطلب تأکید دارد که

پیغمبر اکرم مبعوث شد تا مردم را از جهل و ضلالت نجات دهد و به خدای متعال رهنمون شود و معرفت صحیح به آن‌ها مرحمت کند.

تشویقشان کند به اینکه خدا پرست باشند و اطاعت خدا کنند. آنچه ضرورت دارد و اگر نباشد نقص غرض آفرینش می‌شود این است که بشر بتواند خدا را بشناسد و راه اطاعت و عبادت خدا را یاد بگیرد.

آیا این نیازی که موجب می‌شد خدا انبیا را بفرستد تا راه خداشناسی و خداپرستی را بهتر به بشر بیاموزند برای زمان خاصی بود تا قرن ششم میلادی (بعثت) و دیگر بعدش احتیاجی نیست؟

یا برای این بود که بشر تا بشر هست این نیاز را دارد. چون عقل بشر هر چه هم ترقی بکند، حقیقت عالم برزخ و بهشت و قیامت را نمی‌تواند بفهمد. حداکثر می‌فهمد که باید بعد از مرگ روح انسان باقی باشد و یک لذت و یا عذابی داشته باشد. اما نوع لذت و الم و اینکه در کجا و با چه خصوصیتی واقع می‌شود؛ عقل بشر نمی‌رسد. آنچه را که بیشتر فیلسوفان و حکماً ادعا کردند و در مقام اثباتش بر آمدند؛ اصل معاد است؛ اعم از روحانی و جسمانی

اما خصوصیات معاد جسمانی را با عقل نمی‌شود اثبات کرد کما اینکه اگر هزار سال آدم به عقلش فشار بیاورد روش بندگی خدا را نمی‌تواند یاد بگیرد. ماه رمضان باید روزه گرفت. ماه رمضان یعنی چه؟ آیا عقل می‌تواند بگوید؛ ماه رمضان باید سی روز یا بیست و نه روز باشد؟ باید از اول طلوع فجر تا مغرب امساک کند، چرا یک خورده کمتر یا یک کمی بیشتر نه؟ و همین طور سایر احکام. اینها اموری تعبدی است و چون خدا این گونه گفته، باید همین گونه انجام دهند. بعضی تلاش می‌کنند دین را از مسائل دنیا جدا کنند (سکولاریزم) بگویند مسائل اجتماعی اصلاً ربطی به دین ندارد. از اوایل صدر اسلام آنچه مکتب اهل بیت را از مکتبی که آن زمان رواج داشت مکتب ابوحنیفه مشخص می‌کرد همین بود که

ائمۀ اهل بیت (علیهم السلام) قیاس و اثبات احکام بوسیله عقل‌های متعارفی را که ما داریم نهی می‌کردند.

آن داستان را شنیده اید که اگر کسی انگشتی را بپُرد چقدر باید دیه بدهد، دو تا انگشت ببرد چقدر، چهار تا که بشود جور دیگر می‌شود، نسبت‌ها تغییر می‌کند. حضرت همین را با کسی که مدعی قیاس بود مطرح کردند و فرمودند: پس ببین که دین با قیاس درست نمی‌شود. قیاس یعنی همین استدلال عقلی ما

سوال این است که وحی اگر بگوید کسی که دزدی کرد چگونه باید مجازاتش کرد؛ عقل ما به آن خواهد رسید یا نه، اینها به عقل ما نمی‌رسد، خدا خودش باید بگوید؛ بعضی می‌گویند این توهین به کرامت انسان است. مجازات اعدام و حد زدن باید ممنوع شود، چرا؟ چون عقل بشر امروز می‌گوید این کارها زشت است، اینها توهین به انسانیت است. ما یا باید اعلامیه

حقوق بشر را بپذیریم یا اعلامیه خدا را، قرآن را. کسانی هم در مقام جمع برآمدند گفتند: خدا درست فرموده است اما این دیگر تاریخ مصرفش گذشته است. می‌گویند تمدن ایران و روم و فیلسوفان و حکماً و انبیا باعث شد انسان به بلوغ برسد؛ آن وقت دیگر احتیاجی به وحی ندارد.

بالاخره چه کسی باید جواب این را بدهد؟ آیا نیاز به دین و وحی در یک زمان خاصی بود و دیگر این نیاز برداشته شد؟ یعنی آن وقتی که بشر نابالغ بود و حالا دیگر به بلوغ عقلی رسیده است، دیگر احتیاجی ندارد. پس دین خداحافظ؟! از آن فقرات نهج‌البلاغه که اشاره کردم استفاده می‌شود

**انسان عقلش به بعضی چیزها، نه هیچ وقت رسیده و نه هیچ وقت خواهد رسید.
مانند بسیاری از جزئیات مربوط به مسائل اعتقادی، مثل آنچه که مربوط به معاد است.**

اصلاً عقل به این چیزها راه ندارد، عقل به یک سلسله قواعد کلی نائل می‌شود. اصل این را که مثلاً حساب و کتابی باید باشد، می‌شود با عقل اثبات کرد اما فی سلسلَة دَرْعِهَا سَبْعُونَ ذِرَاع ۲؛ یعنی چی؟ لَهْمُ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيْقٌ ۳؛ یعنی چی؟ اینها را که دیگر عقل نمی‌فهمد. این نفهمیدن‌ها همیشه برای عقل انسان ثابت است. انسان وقتی می‌میرد بعدش چه طور می‌شود؟ هر که می‌تواند بیاید و با یک دلیل عقلی اینها را اثبات و بیان کند؟ مجموع حکمت‌هایی که ایجاب می‌کند آدم پیش از طلوع خورشید دو رکعت نماز بخواند ما یکصدمش را هم نمی‌توانیم بفهمیم. شیعه معتقد است؛ احکام تابع مصالح و مفاسد واقعی است اگر روزی پیامبری فرصت کند که دانه دانه، حکمت‌های احکام را بگوید، ما هم توان فهمش را داشته باشیم، تصدیق خواهیم کرد که همه اینها مصلحت است. اما پیامبر هم وحی‌اش الهی است، نه با عقل خودش، چون عقل عادی انسانی اینها را نمی‌فهمد.

بنابراین حکمت بعثت انبیا این است که آن نقصی را که ذاتاً ادراکات انسان دارد که مهم‌ترینش ادراکات عقلی است، جبران کند و تکامل بخشد تا رفع جهل شود و به کمال برسد. کمالی که انسان باید برسد کمالی است که در سایه بندگی خدا پیدا می‌شود. تکامل یعنی رسیدن به عبودیت الهی. از چه راه؟ از همان راهی که انبیا می‌گویند و هیچ راه دیگر هم ندارد. کمال یعنی

چی؟ یعنی تسخیر ماه و زهره؟ آسمان خراش صد طبقه؟ بعد از؛ مرگ همه اینها تمام می‌شود، باید آن را که سعادت ابدی برای تو می‌آفریند بشناسی و آن، چیزی جز بندگی خداست؟ پولدار باشی یا فقیر، در خانه گلی بنشیننی یا سیمانی و آهنی، فرقی نمی‌کند. بله، باید انسان تلاش کند تا نعمت‌های خدا را بهتر بشناسد و بهتر استفاده کند و بیشتر انگیزه شکر پیدا کند لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حساب انبیا از نوابغ و علما، از حکماً و مخترعین جداست. نه علم جای دین را می‌گیرد و نه پیشرفت عقل و فلسفه و نه عرفان متعارف ما را از دین بی‌نیاز می‌کند.

عرفان واقعی همان حقیقت دین است؛ همان خداشناسی است. این سخن که دین را تا قرن ششم احتیاج داشتیم، بعد احتیاج نداریم برای این است که دین را نشناختند.

خدا پیغمبران را می‌فرستد و حجت را بر مردم تمام می‌کند. کتاب‌های آسمانی را نازل می‌کند اما شیاطین می‌آیند و این نعمت خدا را خراب می‌کنند. این شیاطین چه کسانی هستند؟ قرآن تکیه می‌کند که این شیطنتها به دست آدمیزاد انجام می‌گیرد. آن هم نه جاهلان و نه ثروتمندان و سیاستمداران؛ بلکه به دست آن کسانی که عالم به آن کتاب‌ها هستند كَانِ النَّاسِ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ کلام را تحریف و آیات را جابجا کردند. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ؛ پیغمبر ما که آمد، خیلی از مطالبی که شما مخفی می‌کردید افشاء کرد. بعد از پیغمبران دوره اول، این نیاز در جامعه پیدا شد؛ که آن تحریف‌هایی که در کتابهای قبلی شد تصحیح شود. آنهایی که مخفی بود آشکار و آنهایی که تحریف شده و جابجا شده بود جای اصلیش معین بشود، صحیح بشود. پس پیغمبری که می‌آید علاوه بر اینکه آن چیز را که به او وحی می‌شود، به مردم می‌رساند باید غلط‌های گذشته‌ها را هم تصحیح کند. این کار دیگر برای حضرت آدم یا نوح نبود پیغمبر اسلام که آخرین پیامبر هست باید حقایق را برای همیشه برای مردم حفظ کند و بین مردم تعمیم دهد به گونه‌ای که باقی بماند.

در خطبه ۱۵۹ می‌فرماید: أَرْسَلَهُ بِحُجَّةٍ كَافِيَةٍ وَ مَوْعِظَةٍ شَافِيَةٍ وَ دَعْوَةٍ مُتَلَفِيَةٍ أَظْهَرَ بِهِ الشَّرَائِعَ الْمُجْهُولَةَ وَ قَمَعَ بِهِ الْبِدَعَ الْمُدْحُولَةَ وَ بَيَّنَّ بِهِ الْأَحْكَامَ الْمُفْصُولَةَ ۸؛ خدا پیغمبر را فرستاد با حجت کافی و موعظه شافی و دعوتی که تلافی کند کمبودها را، اذعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ ۹؛ پیغمبر را فرستاد با حجت عقلی و با موعظه، تعبیر ما این است که ایجاد

انگیزه بکند با تبشیر و انذار. انگیزه عمل، غیر از دانستن است. وقتی آدم را موعظه می‌کنند، یادآوریش می‌کنند؛ آن وقت آدم انگیزه پیدا می‌کند.

پیغمبر را فرستاد تا أَظْهَرَ بِهِ السَّرَائِعَ الْمَجْهُولَةَ؛ احکامی بود که خدا آنها را وضع فرموده بود ولی مجهول بود. وَ قَمَعَ بِهِ الْبِدْعَ الْمَذْحُولَةَ؛ یک چیزهایی را قاطی دین کرده بودند که بدعت بود اینها را ریشه کن کند این وظایف پیغمبر است. خطبه ۳۰۱: فَإِنَّ اللَّهَ شُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ تا آنجا که می‌فرماید: أَرْسَلَهُ بِالَّذِينَ الْمَشْهُور... إِزَاحَةً لِلشُّبْهَاتِ وَ اخْتِجَاجًا بِالْبَيِّنَاتِ وَ تَحْذِيرًا بِالْآيَاتِ وَ تَحْوِيلًا بِالْمَثَلَاتِ^{۱۰}؛ در اثر گذشت زمان و تصرفات شیاطین انس و جن مسائلی بر مردم مشتبه شده بود واقعاً کسانی خیال می‌کردند که عیسی پسر خداست استدلال هم می‌کردند.

بسیاری از احکام بود که علمای یهود اینها را مخفی یا عوض کرده بودند. وقتی آیات قرآن نازل شد بسیاری از اینها حقیقت را شناختند و بسیار شاد شدند که از شادی اشک می‌ریختند من خودم شاهد بودم در ریودوژانیرو و در دانشگاهی که برای کاتولیک‌ها بود و جمعی که از اصحاب کلیسا بودند، از ما دعوت کرده بودند، که درباره معارف اسلامی صحبت کنیم. آنجا، یک فزازهایی از دعای عرفه را خواندم، گفتم: اسلام، خدا را این گونه به ما نشان می‌دهد. دیدم پیرمردهایی بودند، همان طور که من عرفه را می‌خواندم و توضیح می‌دادم اشک از چشم‌هایشان می‌ریخت. طالبان حق، گوشه و کنار دنیا بسیار هستند. وظیفه پیامبر این است که بدعت‌ها را عوض کند، حقایق را بیان کند تا مردم با آن فطرت پاک و سالمشان، بشنوند و بپذیرند.

۱. قمر، ۵۵ / ۲. الحاقه، ۳۲ / ۳. هود، ۱۰۶ / ۴. بقره، ۲۱۴ / ۵. مائده، ۱۵ / ۶. بقره، ۷۹ / ۷. نهج‌البلاغه، نسخه صبحی صالح، خطبه ۱۴۷، ص ۲۰۴ / ۸. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۱، ص ۲۲۹ / ۹. نحل، ۱۲۵ / ۱۰. نهج‌البلاغه، نسخه فیض الاسلام، خطبه ۳۰۱ / ۱۱. مائده، ۸۳



درآمدی بر نظر و عمل رهبری معظم انقلاب در امر وحدت اسلامی

نظام و رهبری

«وحدت» و اعتصام به حبل الله، همان اکسیر حیات بخش و ضرورت اعجازبخشی است که از سال‌های اوج‌گیری نهضت اسلامی به صورت زنده و بالنده در لسان و عمل بنیان گذار فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) و یاران ناب ایشان جای گرفت و تا امروز همچنان فصل مشترک همه دلدادگان جهاد و شهادت است.

دغدغه وحدت در تبعید

یکی از جلوه‌های برجسته پیگیری این راهبرد حیات بخش در سال‌های مبارزه علیه رژیم ستم‌شاهی، فعالیت‌های مستمر حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی بوده است که در میانه غربت تبعید، تهدیدهای تبعید را به فرصتی برای اتحاد و همدلی اقوام و مذاهب تبدیل کرده و ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های فرهنگی غلبه بر رژیم باطل را در منطقه تاریخی سیستان و بلوچستان فراهم کردند. در آن سال‌ها، آن طلبه سید جوان، دور از خانه و خانواده و دوستان، در میانه تبعید به بدآب و هواترین مناطق ایران‌شهر، با حضور در جمع علمای اهل سنت آن منطقه و حشرونشر صمیمانه با مردم نجیب و خون‌گرم آن دیار، ضمن رسیدگی به احوال آنان، توطئه شوم و پیچیده دشمن برای اختلاف و دشمنی میان پیروان مذاهب اسلامی را تبیین می‌کرد و با یادآوری مشترکات ارزشمند مذاهب اسلامی همچون خدای واحد، پیامبر واحد، کتاب واحد و قبله واحد، تلاش می‌کرد تا زمینه‌های انسجام و تقویت مردمان آن منطقه را فراهم کرده و آن را الگویی متعالی برای دیگر نقاط کشور و حتی جهان اسلام قرار دهد. جلوه عملی «جهاد تبیین» آن سید جوان، حضور فعالانه و مسئولانه برای امداد رسانی به سیل‌زدگان ایران‌شهر و مناطق اطراف آن بود که بدون توجه به پیرایه‌های قومیتی، باعث تخفیف آلام مصیبت‌زدگان و دل‌گرمی آنان برای عبور از سختی‌ها و مصایب می‌شد. «فکر وحدت اسلامی یک فکر زودگذر تازه‌پا نیست، بلکه از اعماق دل ما می‌جوشد. سنی برای خود سنی است، شیعه هم برای خود شیعه است، هرکدام عقاید و مناسکی دارند و هیچ کدام دیگری را مجبور نمی‌کند که مثل من وضو بگیر یا اعمال دیگر را مثل من انجام بده. حقیقت این است که هر دو به خدای واحد، قبله واحد، پیامبر واحد، اهداف و ارزش‌های واحد و به اسلام واحد معتقدند. چرا اینها را فراموش کنیم؟! من در همان روزهایی که تبعید بودم - آقای مولوی قمرالدینی این جاست - پیغام دادم، خودم به مسجد ایشان رفتم و گفتم بیا بیاید این یک هفته میان هفده ربیع - که ما شیعه‌ها هفده ربیع را روز ولادت پیغمبر می‌دانیم و جشن می‌گیریم - و دوازده ربیع را - که شما سنی‌ها روز ولادت پیامبر می‌دانید - جشن بگیریم. ما بگیریم، شما هم بگیرید...» (۱۳۸۱/۱۲/۲)

اصرار بر وحدت در زعامت

راهبردها و اقدامات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های پس از انقلاب تاکنون، نشان‌دهنده دغدغه و اهتمام ویژه ایشان به موضوع «وحدت» است. معظم له از سال ۱۳۶۹ و در اوایل زعامت و رهبری، با تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی – که پس از چند سال برگزاری کنگره سالپانه وحدت اسلامی صورت گرفت – اقدامی ماندگار برای تألیف قلوب مسلمانان از طریق هم‌نشینی و هم‌فکری علمای بلاد انجام دادند. ایشان در تمام این سال‌ها، علاوه بر تعامل مستمر با علمای اهل سنت از کشورهای مختلف، با چند اقدام تاریخی تلاش کردند تا بیش از پیش زمینه‌های خصومت و بددلی پیروان مذاهب اسلامی را – که با فعال کردن گسل‌های اختلاف و دشمنی توسط سرویس‌های جاسوسی دشمن و افراد جاهل دنبال می‌شود – کمتر و کمتر کنند. فتوای حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت، نمونه ماندگار این تدابیر دلسوزانه و تمدن‌ساز بوده است؛ علاوه بر این، سفرهای تاریخی ایشان به مناطق سنی‌نشین همچون سیستان و بلوچستان و کردستان و دیدارهای صمیمانه با مردم مناطق مختلف و سران اقوام و علمای اهل تسنن، همگی نشان‌دهنده اهتمام ویژه و دغدغه راهبردی ایشان، برای وحدت مسلمانان در ایران و جهان اسلام بوده است.

وحدت در مقابل دشمن مشترک

در سیاهه جنایات دشمنان جهان اسلام، آنچه مهم است هدم و نابودی تفکر توحیدی و نجات‌بخش اسلام، با کمک شیعه انگلیسی و سنی آمریکایی است. «امروز مانند همیشه و بیش از همیشه، مصلحت‌الزامی امت اسلامی، در وحدت است؛ وحدتی که ید واحد در برابر تهدیدها و دشمنی‌ها پدید آورد و بر سر شیطان مجسم، آمریکای متجاوز و غدار و سگ زنجیری‌اش رژیم صهیونیستی، رعدآسا فریاد کشد و در برابر زورگویی‌ها، شجاعانه سینه سپر کند. این معنی فرمان الهی است که فرمود: **وَاعْتَصِمُوا بِخَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا**» ۱۳۹۹/۵/۷

«وحدت و اتحاد مسلمان‌ها یک امر تاکتیکی نیست که حالا بعضی خیال کنند به خاطر شرایط خاصی ما بایستی با همدیگر متحد باشیم؛ نه، یک امر اصولی است؛ هم‌افزایی مسلمانان لازم است»، «از اهداف نظام جمهوری اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است: تمدن اسلامی با نگاه به ظرفیت‌های امروز و حقایق و واقعیت‌های امروز. این کار جز با اتحاد شیعه و سنی امکان‌پذیر نیست؛ این را تنها یک کشور و یک فرقه نمیتواند انجام بدهد؛ برای این بایستی همه با هم همکاری کنند» ۱۴۰۰/۸/۲

امروز باید برای نسلی تبیین کنید که دیگر گوش شنو ندارد

نظام و رهبری

در این شرایط یکی از مهم ترین موضوعات، جهاد تبیین است. تأسف می‌خوریم که ما بعد از چهار دهه از انقلاب اسلامی نتوانستیم حق انقلاب اسلامی را آن طور که شایسته آن هست، ادا کنیم. امروز نسل انقلاب و نسل بعد از انقلاب به دلیل ناآگاهی‌هایی که وجود دارد دچار مشکل شدند. همه این‌ها نشان می‌دهد که مقصر اصلی در این زمینه نسل اولی هست که می‌بایست رسالت خویش را به بقیه منتقل می‌کرد، آگاهی بخشی می‌کرد، ادبیات تولید می‌کرد.

وی افزود: به هر صورت وظیفه ما از اول همین بوده که جهاد تبیین را انجام می‌دادیم، کوتاهی کردیم، ولی امروز هم از هر کجای کار شروع کنیم باز وظیفه همان هست، لذا بحث گفتمان انقلاب اسلامی از ضرورت‌هایی است که امروز باید به آن بپردازیم و متناسب با نیاز و شرایط و تقاضای روز بتوانیم ادبیات در تراز انقلاب اسلامی تولید کنیم.

خاستگاه فکری و معرفتی گفتمان انقلاب اسلامی، در چارچوب اسلام ناب است. نقطه کانونی و دال مرکزی «گفتمان انقلاب اسلامی» حاکمیت اسلام ناب محمدی (ص) است. گفتمان‌ها باید دائماً بازنگری، بازسازی و بازتولید بشوند اگر یک لحظه این کارخانه متوقف شود، دچار بحران‌هایی که این روزها با آن مواجه هستیم خواهیم شد.

برای این که نشان بدهیم می‌توانیم زیست جهان بشر امروز را مدیریت کنیم، محورها و دال‌ها و آن نشانه‌هایی که اسلام شیعی در دنیای مدرن داشت را در مقابل سایر گفتمان‌ها برجسته کردیم و ادعایمان این بود که ما یک سری برتری‌ها داریم و با این‌ها توانستیم هویت شیعی را در قالب انقلاب اسلامی در دنیای امروز بازتعریف کنیم، کار بسیار بزرگی بود، به تعبیر بیانیه گام دوم انقلاب، در جهان دو قطبی که بین دو ابرقدرت تقسیم شده بود هیچ جای خالی باقی نمانده بود که کسی بخواهد عرض اندام کند، ما توانستیم در میان قطب بندی آن روز، یک چنین گفتمانی را به وجود بیاوریم و در مقابل آن‌ها عرض اندام کنیم.

امروز با فروپاشی شوروی، عملاً دو گفتمان در دنیا بیشتر نیست، یکی «لیبرال دموکراسی غربی» و یکی «گفتمان اسلامی» به رهبری انقلاب اسلامی که این دو دارند با هم رقابت می‌کنند و این چالش‌هایی که این روزها در خیابان‌های کشورهای می‌بینید رقابت جدی و سنگر به سنگر آنهاست.

وی افزود: در رقابت بین لیبرال دموکراسی غربی و گفتمان اسلامی، چالش‌ها به اوج رسیده و بدترین گزینه این است که کارگزاران این چالش، نسل انقلاب باشند، دردمندانۀ ترین چیزی که می‌شود امروز روایت کرد، این که در چالش دو گفتمان اصلی دنیا، کسانی که امروز با گفتمان اسلام انقلابی و اسلام ناب مبارزه می‌کنند، برخی از خودی‌هایی باشند که امروز باید در جبههٔ انقلاب باشند، نه در جبهه مقابل انقلاب

به نظر امروز کار بسیار دشوار شده، شما امروز باید برای نسلی تبیین کنید که دیگر گوش شنوا ندارد. چون وارد مبارزه و تقابل و میدان شده است، اینجا دیگر جای نصیحت نیست،

امام حسین علیه السلام وقتی روز عاشورا آمد مقابل لشکر یزید و شروع به سخنرانی کرد، دیگر کسی گوش نمی‌داد، حضرت فرمود سکوت کنید تا من حرفم را بزنم. ولی در آن شرایط گوش شنوا نبود، طبیعی است، هیجانات التهابات و شور تقابل به گونه‌ای است که کسی گوش برای شنیدن، آن هم شنیدن حرف رقیب را ندارد. جای تأسف دارد که ما ببینیم جریان فمینیستی، جریان زنان، جنبش بشود، همان چیزی که

انقلاب اسلامی از میان زن بی هویت زمان طاغوت، عفت و حجاب آورد، ولی امروز داریم آن هویت بخشی را از دست می‌دهیم،

بر سر یک حادثه ناخواسته و تاسف بار، یک جنبش فمینیستی در کشور راه می‌افتد و خیلی‌ها مدعی می‌شوند که جنبش زنانگی بانی تحول بعدی خواهد بود! این نقطه ضعف جدی است که امروز ما به جای گذاشته ایم.

آن روز نقطه قوت ما چه بود که توانستیم از میان تمام فقدان‌ها، آن وجود را تولید کنیم؟ و امروز نقطه ضعف ما چیست که از میان وجودها داریم قافیه را به فقدان‌ها واگذار می‌کنیم؟ این‌ها بحث‌های جدی ما است،

وقتی رهبری می‌گویند جهاد تبیین و ضرورت و وجوبش را مطرح می‌کنند، یعنی همین کیستی خودمان، چیستی خودمان، هویت گذشته خودمان و موجودیت خودمان را بررسی و بازسازی کنیم.

نسل جوان ما با همه شور و حرارتی که دارد هنوز هم ظرفیت این را دارد که به انقلاب و اسلام ناب گوش بدهد، اینها التهابات زودگذری است که در همه کشورها، در همه شرایط وجود دارد. اما برای ما و برای غنای معنوی انقلاب اسلامی شایسته نبود که اینقدر زود در هویتش تردید ایجاد شود.

افرادی مثل شهید مطهری، علامه طباطبایی، امام راحل (ره) و دیگران همه حرفشان این بود که ما در مقابل خرافات ادیان گذشته، در مقابل غرب گرایی و تجدد غربی و در مقابل الحاد سیوسیاالیسم حرفی نو برای گفتن داریم.

وی گفت: اما این نکته افتخار ماست که بیش از چهل سال یک کشور و یک گفتمان به تنهایی به پشتوانه اسلام ناب، با تئوری سازی امام راحل (ره)، با حمایتی که مردم داشتند و با سرمایه اجتماعی که ولی نعمت انقلاب به میدان آورد، داریم رقابت می‌کنیم. کوچه به کوچه، سنگر به سنگر داریم با امریکا و دنیای لیبرال دموکراسی مبارزه می‌کنیم. امروز اگر بگوییم کاستی داریم واقعاً اینطور باید ارزیابی کرد که شما ببینید ما در چه میدانی وارد شده ایم و در چه سنگرهایی داریم می‌جنگیم، اگرما در سنگر برای نان و آب مشکل داریم، باید بدانیم که گفتمانی رقیب ما است که حتی آب و نان را برای ما تحریم کردند، یعنی اولین ها را از ما دریغ می‌کنند و ما در این رقابت قرار گرفته ایم.

ما نتوانستیم در این میدان، زمینه ای ایجاد کنیم تا وقتی کسی اعتراض دارد به صورت قانونی و مشروع و متناسب با انقلاب و اسلام ناب، غیرتمندانه اشکالات و آسیب‌ها را برای تقویت نظام بگویند، نه اینکه بیایند نظام را تخریب کنند، این یک نقطه ضعف ما است.



منبع - خبرگزاری تسنیم،

قالب: سخنرانی در نهمین دوره کرسی‌های آزاد اندیشی اندیشکده مطالعات انقلاب اسلامی طلوع مهر (۱۴۰۱/۷/۲۰)

در چشم انداز قرآن صلح یک «قاعده» و جنگ «استثنا» است

نظام و رهبری

مهدی کریمی؛ عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی می گوید:

در اسلام صلح و همزیستی مسالمت آمیز مسئله ای اصیل و ریشه دار است این رهیافت، پیوندی ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد.

آموزه توحید، قرار داشتن همه هستی در گردونه تدبیر واحد و حکیمانه الهی، پیوند نسلی همه آدمیان به یک پدر و مادر و اشتراک خانوادگی همه انسان ها، حرکت جهان و انسان به سوی غایت واحد الهی، وجود فطرت یگانه خداجو و کمال خواه در همه انسان ها، استوارترین زیرساخت نظری صلح و همبستگی جهانی است و این امری است که دین مبین اسلام طلایه دار و پیشاهنگ آن است. نمونه شواهد چشم انداز کلی و راهبرد اساسی در قرآن درباره صلح و همزیستی؛ «كَلِمًا أَوْ قَدْوًا نَارًا لِّلْحَرْبِ أَظْفًا هَا لِلَّهِ وَ يَشْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» هرگاه آتش جنگ برافروزند خداوند آن را فرو می نشاند. آنان در زمین فساد می گسترند، اما خدا فسادگران را دوست نمی دارد (سوره مائده/ ۶۴) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» ای ایمان آوردگان! همگی در صلح و آشتی درآیید؛ و از گام های شیطانی پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست (سوره بقره/ ۲۰۸) «وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز- پیامبر (ص)- از در صلح درآی؛ و بر خداوند توکل کن، که او شنوا و داناست (سوره انفال / ۶۰)

به خوبی روشن است که نخست، در چشم انداز قرآن صلح یک «قاعده» است، و جنگ «استثنا»؛ دوم، لشکرکشی و نبرد در راه تحمیل عقیده و اجبار در پذیرش دین در منطق قرآن مردود و بی اساس است. از دیگر اموری که در آشنایی با چشم انداز اسلامی پیرامون مسئله جنگ و صلح مفید و مؤثر است، آشنایی با خلق و خوی پیامبر (ص) و سیره رفتاری آن حضرت است.

سماحت و گذشت، حسن خلق و معاشرت نیکو از بارزترین ویژگی‌های پیامبر بزرگوار اسلام بوده است، که این ویژگی‌ها از شاخص‌های مهم فرهنگ صلح محسوب می‌شوند.

دکتر محمد منصورنژاد عضو کمیته دین پژوهی انجمن مطالعات صلح می‌گوید: برخی تنها علم را بسترساز صلح می‌بینند! از این منظر مهمترین خاستگاه آکادمیک صلح در روزگار ما منطقه «اسکاندیناوری» است، حال آنکه در همان موقعیت هم‌اکنون پارلمان سوئد و فنلاند درخواست عضویت ناتو دادند که تا مرحله‌ی هم از سوی ۳۰ کشور ناتو پذیرفته شده است! برخی سکولاریسم را بسترساز صلح می‌بینند. اما مگر کشورهای غربی که از قرن ۱۷ تاکنون به سکولاریسم رسیدند، به صلح هم رسیدند؟ جنگ اول جهانی و دوم، نزدیک به ۱۰۰ میلیون کشته از غربیان به جای نهاد! جنگ امروزه اوکراین با این تلفات، کار کشورهایایی است که در گفتمان سکولاری اقدام می‌کنند پس سکولاریسم راه حل برای رسیدن به صلح نیست؛ کمترین نتیجه نکات بالا آن است که بشر راه‌های دیگری هم برای صلح می‌خواهد و از اینجا راه برای طرح رویکرد دینی باز می‌شود. از اسلام (مثل بسیاری از ادیان) در سه سطح می‌توان سخن گفت: یک: نص و آموزه‌های اصلی؛ آیات جنگ و قتال و ... در قرآن وجود دارد، همان‌گونه که آیات رحمت و لطف فراوان تر است. محاسبه و برشماری واژه «غضب الهی» و ملحقاتش با مفهوم «رحمت» و ملحقاتش در قرآن این نتیجه را می‌دهد:

مجموع ۹۸	ملحقات: مقت، سخط، لعنت، کراهت، لایحِب و لایرِی	غضب الهی
مجموع ۹۴۷	ملحقات: محبت، رافت، مودت، لطف، قرب، رضایت، مغفرت، عفو و صفح	رحمان و رحمت الهی

دوم: فهم دینی؛ که نگاه بزرگان دینی با تأکید بر مواضع فقها در اسلام به سه دسته زیر قابل تقسیم است: اولاً: فقهایی که برای صلح اصالت قایل بودند. مثلاً سید مرتضی از قدما و یا نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (کتاب جهاد در اسلام). از اهل سنت، یوسف قرضاوی که در زمینه صلح کتاب فقه‌الجهادش (۲۰۰۹) منبع مهمی است. دوماً: فقهایی که اصالت را در جنگ و جهاد دیدند. به نظر آنها مسلمانان باید غیر مسلمانان را با جنگ به اسلام دعوت کنند. از امام شافعی در اهل سنت در کتاب «أم» تا شیخ طوسی در المیزان. سوم: فقهایی که به مدیریت اقتصادی قایلند؛ اینان می‌گویند، در اسلام نه جنگ اصل است و نه صلح، بلکه به تناسب موقعیت تصمیم مقتضی گرفته می‌شود. این ایده را علامه «سید محمد حسین فضل‌الله» از علمای شیعی لبنان معتقد بود. سوم: عمل دینی؛ در این سطح تحلیل به عملکرد مسلمانان در طول تاریخ و در زمان حاضر پرداخته شده و میزان خشونت‌ها و دوستی‌ها توصیف و تحلیل می‌شود.

اجمالاً در اسلام جنگ و صلح با هم آمدند؛ اما از نگاه بنده، اصل بر صلح است و آموزه‌های مرتبط با جنگ و خشونت باید متناسب و در راستای آنها فهم و تفسیر شوند. گرچه نصوص، سنت و سیره برای ارائه ایده‌های جدی در صلح ظرفیت دارند، اما ادبیات نظری موجود در حدی و به‌گونه‌ای نیست- کما محدود و اجماعی نیستند- که بتوان به شاخص‌های صلح رسید. با این وصف سخن از صلح در اسلام در شرایط کنونی بسیار ضروری و مهم است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

منبع- سایت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، قالب: نشست (۱۴۰۱/۶/۳۰)

تقویت سواد مجازی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است

فرهنگ و دانشگاه

سید سعیدرضا عاملی با طرح این پرسش مبنی بر اینکه چه چالش و مشکلی وجود دارد که رهبر انقلاب اسلامی از بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی کشور سخن می‌گویند اشاره دارد: اگر مفهوم مورد نظر ایشان را درست برداشت نکنیم مطالعات صورت گرفته به انحراف می‌رود زمانی که به خروجی فعالیت‌های فرهنگی نگاه می‌کنیم با تفاوت نسلی و تضاد نسلی مواجه هستیم.

ما در گذرگاه تغییر فرهنگی قرار داریم، بروز و ظهور اینترنت سبب شد با دسترسی به دیگر فرهنگ‌ها مواجه شویم. نسل پیش از ظهور اینترنت مخاطب بود اما با ظهور اینترنت مخاطب به کاربر تبدیل شد به گونه‌ای که در میان اطلاعات گسترده، انواع هویت‌ها را مشاهده می‌کند. به نظر نخستین گام در بازسازی ساختار فرهنگی کشور تغییر در نگرش بوده و هر سیاست‌گذاری که در حوزه فرهنگ صورت می‌پذیرد اگر باعث توانمندسازی فردی و اجتماعی کاربر نشود این سیاست‌گذاری با شکست مواجه می‌شود.

سواد مجازی یک عرصه سواد عمومی دارد که شامل همه مردم می‌شود، در سواد عمومی به اطلاعات درست نیاز است تا جامعه بتواند اطلاعات درست را از غلط تشخیص دهد. در نبود مفهوم مشترکی برای فرهنگ، گفتنی است اگر فناوری بدون فرهنگ دیده شود سبب بروز ناهنجاری‌ها می‌شود.

در سواد مجازی بخش‌هایی وجود دارد که یکی از آنها سواد تحلیلی است و ضرورت دارد این بخش به شهروندان آموزش داده شود روزانه در کشور ۳۰۰ میلیارد پست الکترونیک ارسال می‌گردد.

تحول در محتوا یکی از راه‌های تغییر انقلابی ساختار فرهنگ است و این باید در مؤلفه‌های انقلاب اسلامی که ما را به تمدن اسلامی می‌رساند صورت پذیرد این امر با عناصر مختلفی چون عدالت اجتماعی، ایجاد احساس همدلی و همیاری، وحدت و اتحاد و... محقق می‌شود. همچنین باید به این نکته توجه شود

اگر در بازسازی محتوای ساختار فرهنگی کشور عده‌ای بیرون بیفتند در این مهم موفق نشده ایم.

در بازسازی بنیادین نهادهای فرهنگی نباید هدف را گم کنیم هدف رسیدن به تمدن اسلامی است. خودسازی و جامعه پردازی در این رسیدن ضرورت دارد. مسیر رفتن به سوی تمدن نوین اسلامی باید بر مبنای عدالت، عقلانیت، معنویت و حکمت باشد.



منبع- خبرگزاری مهر، قالب: سخنرانی (۱۴۰۱/۷/۲۳)

علوم انسانی امکان مدارا و فرهنگ گفت‌وگو را در جامعه فراهم می‌کند

فرهنگ و دانشگاه

در دوره اخیر جشنواره فارابی، وزارت عتف چند رویکرد را مد نظر قرار داده که نشان از اهمیت علوم انسانی دارد. یکی از این رویکردها بازنگری آیین‌نامه ارتقا اعضای هیات علمی است که بازنگری اولیه صورت گرفته است و امیدواریم، این آیین‌نامه اقتضائات لازم را در علوم انسانی داشته باشد. اتفاق دیگر تدوین شیوه‌نامه سرآمدان است که تصویب و ابلاغ شده است. در این شیوه‌نامه سعی شده است که به علوم انسانی توجه شود و از یکسو نگری‌ها فرا رویم.

در جشنواره دوره قبل فارابی سعی شد جایزه‌ای به برگزیدگان جشنواره داده شود که معادل جایزه خوارزمی باشد. این اقدام باعث می‌شود از برنامه‌های پژوهشی این حوزه حمایت بالاتری شود. در این راستا

باید به جایی برسیم که علوم انسانی بتواند مشکلات جامعه را حل کند و این علم به مسیری برای حل مشکلات مردم تبدیل شود.

علوم انسانی می‌تواند به حل مسائل کشور منجر شود، چراکه انبوهی از مشکلات و مسائلی که در کشور با آن‌ها مواجه هستیم، همچون ترافیک، محیط زیست و انرژی با بهره از علوم انسانی قابل حل هستند. بر این اساس امروزه بسیاری به این ادراک رسیده‌اند که بخش عظیمی از مسائل، مرتبط با علوم انسانی است که با کمک این علم، می‌توان آن‌ها را مرتفع کرد.

مسائل مرتبط با رفتار شهروندان، نوع سیاست‌گذاری و فعالیت‌ها را از جمله مسائل مرتبط با حوزه علوم انسانی است و این حوزه از علم است که امکان مدارا در جامعه را فراهم می‌کند، فرهنگ گفتگو را ارتقا می‌دهد و تحمل را نهادینه می‌کند.

ارتقای مطالبه‌گری و پاسخگویی مسؤولان، کاهش شکاف میان مسؤولان و مردم، ارائه راهکارهایی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و امید از دیگر کارکردهای علوم انسانی است

و معتقدیم علی‌رغم آنکه علوم انسانی از برخی جهات از بنیادهای غربی آسیب دیده است، ولی می‌توانیم با بسیج همه عالمان در جهت رفع مشکلات با کمک علوم انسانی همت کرد.

گفتنی است این جشنواره، در ۱۵ گروه علمی شامل اخلاق، ادیان و عرفان، تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی، حقوق، زبان، ادبیات و زبان‌شناسی، علوم اجتماعی و علوم ارتباطات، علوم اقتصادی، مدیریت و علوم مالی، علوم تربیتی، روان‌شناسی و علوم ورزشی، علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، علوم قرآنی، تفسیر و حدیث، فقه و اصول، فلسفه، منطق و کلام، فناوری اطلاعات، اطلاع‌رسانی و کتابداری، مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)، مطالعات میان‌رشته‌ای و مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی بهترین آثار را در چهار قالب کتاب پژوهشی، گزارش اختتام‌یافته پژوهش، رساله دکتری و پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد شناسایی و معرفی می‌کند. براساس اعلام دبیرخانه جشنواره بین‌المللی فارابی از میان ۲۰۷ اثر در جشنواره چهاردهم، ۱۶ اثر برگزیده و شایسته تقدیر در دو بخش جوان و بزرگسال انتخاب شدند.



منبع - خبرگزاری آنا، قالب: نشست (۱۴۰۱/۷/۲۵)

اصلاح ساختارهای معیوب فرهنگی کشور در اولویت کارها قرار گیرد

فرهنگ و دانشگاه

هشدار نخستین این مسکین به لطف الهی، مقبول اهل علم و فن و دغدغه قرار گرفت و برخی متولیان فرهنگی با روحیه جهادی قرارگاه‌های فرهنگی تشکیل دادند. اما چند نکته تکمیلی:

اول: تصمیم‌های فرهنگی را از حالت جزیره‌ای خارج سازند و نگاه حکمرانی بدان داشته باشند. بارها نگارنده گفته و نوشته که حکمرانی غیر از حکومت داری است و مقصود از حکمرانی، حکمرانی مردم‌سالارانه دینی است.

دوم: از متخصصان فقه فرهنگ و حکمت فرهنگ در جلسات مشورتی بهره ببرند و باید بدانند شناخت دقیق موضوعات فرهنگی، مهم‌تر از کشف احکام شرعی آنها است و شناخت موضوعات، روش اجتهاد خاص خود را می‌طلبد. به عبارت دیگر ریاست بر نهاد فرهنگی ملازمه‌ای با داشتن تخصص فرهنگی ندارد و نباید با احساس بی‌نیازی از علوم فرهنگی، تصمیم‌های غیرکارشناسی گرفت.

سوم: از میان سیاست‌گذاری، مقررات‌گذاری، ساختارسازی، گفتمان‌سازی و سایر بخش‌های حکمرانی، حق تقدم اصلاحی در ساختارهای معیوب فرهنگی کشور است.

چهارم: هشدار نگارنده به عنوان مدرس خارج فقه نظام ولایی و فقه نظام سیاسی حوزه علمیه قم و رئیس هیأت اندیشه‌ورز دینی قرارگاه فرهنگی اجتماعی قرب بقیه الله با چند هزار صفحه پژوهش در این زمینه، هشدار یک دیدبان در میدان فعالیت‌های فرهنگی است که حضور جدی دارد و می‌بیند

چگونه نسل‌های جوان و نوجوان ما با وجود محبت فوق‌العاده به اهل بیت علیهم‌السلام و شهدای انقلاب، گرفتار جنگ شناختی هستند.

وضعیت به گونه‌ای نیست که جلسات یک هفته در میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌های فعلی سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی و علمی برای حکمرانی فرهنگی وضع موجود کافی باشد. اکنون تلاش خالصانه مستمر و دور از دعوای بیمارگونه و باندی می‌طلبد.

پنجم: در حکمرانی فرهنگی و تصمیم‌ها باید به قاعده اهم و مهم و قاعده میسور و سایر قواعد فقهی توجه کرد و نیز ساحت‌های اجتماعی دیگر از جمله وضعیت اقتصادی مردم را هم مشاهده کر امروزه میلیون‌ها جوان در نرم‌افزارهای موجود مشغول کار اقتصادی هستند، تعطیلی آنها تنها راهکار مبارزه با جنگ شناختی نیست که منشأ جنگ شناختی دیگری خواهد شد. عرض کردم تنها راهکار نیست، بلکه باید با سرعت زیادی نرم‌افزارهای موجود را تقویت کرد و سرورهای بیشتری در اختیار آنها گذاشت تا بتوان نیازهای اقتصادی مردم را در کنار جنگ شناختی تأمین کرده و با جمع جهاد فرهنگی و جهاد اقتصادی در این جنگ شناختی و اقتصادی به ظفر رسید.

فهم این مطلب بر هر انسان فهیم و بصیری دشوار نیست که

تنها راه مبارزه با جنگ شناختی، جهاد فرهنگی از طریق ساخت نرم‌افزارهای کاربردی و راه اندازی سامانه هوشمند ملی است که بارها رهبری فرمودند.

ششم: این مطالبه‌گری باید در بیانیه‌های مختلف نیروهای ارزشی باشد تا گفتمان‌سازی و حکمرانی مردم سالارانه دینی شکل گیرد.

گفت: وضعیت به گونه‌ای نیست که جلسات یک هفته در میان شورای عالی انقلاب فرهنگی و برنامه‌های فعلی سازمان‌های فرهنگی و اجتماعی و علمی برای حکمرانی فرهنگی وضع موجود کافی باشد.



منبع - خبرگزاری شبستان، قالب: یادداشت (۱۴۰۱/۷/۱۸)

باید الهام بخشی، آگاهی بخشی، نزدیک شدن به جوانان در دستور کار جدی قرار گیرد

فرهنگ و دانشگاه

رخدادهایی که امروز در درون کشور جاری است ظهور عینی تقابل بزرگتری بین انقلاب اسلامی و نظام سلطه است و منشأ و ریشه این رخدادها نیز براساس داده‌های اطلاعاتی دقیق، در کانون و قلب نظام سلطه نهفته است یعنی این نبردی که امروز در درون خیابان‌ها و شهرهای ما وجود دارد تا واشنگتن، تل آویو، لندن و ریاض و دیگر پایتخت‌ها امتداد دارد. با این فرض درگیری در نقاط متمایزی از شهرها، در حال انجام نیست بلکه این درگیری در نقاط مختلف جهان جریان دارد و جنگی است که در ورای دیوارها و مرزها امتداد یافته است. اگرچه گرفتاری و درگیری بین دشمنان ما شدید و قلب‌هایشان پراکنده است، ولی ما آن‌ها را جمع و متحد می‌پنداریم و فکر می‌کنیم

یک جبهه ائتلافی عظیم برای تغییر تاریخ، صحنه سیاست جهان، جغرافیای سیاسی، نقشه هندسه سیاسی و امنیتی قدرت در جهان شکل گرفته است.

وی با بیان اینکه جهان در حال گذار از ساختار پوسیده و کهن قدرت به یک سازماندهی جدید است، افزود: آنچه که امروز در کشور ما اتفاق می‌افتد براساس اطلاعات است نه تحلیل، اما من نمی‌توانم به دلایل مسائل امنیتی این اطلاعات را ارائه کنم به هر روی آنچه که امروز می‌بینیم، تراکم شکست‌های متوالی و سریالی نظام سلطه طی بیش از ۴ دهه از انقلاب اسلامی است. در واقع اتفاقات امروز ناشی از انباشتگی شکست‌های نظام است که به ماریپچ نزولی قدرت این نظام انجامیده است.

اتفاق بزرگ این است که امروز نه تنها حجم واقعی قدرت دشمن کاهش یافته بلکه ما با گردایان بسیار شدیدی از نرخ تنزیل قدرت نسبت به زمان، در نظام استکباری مواجه هستیم و این اساساً به دلیل از دست رفتن پتانسیل ارباب قدرت دشمن است یعنی ظرفیت ارباب از دست رفته است. وقتی انقلاب اسلامی اتفاق افتاد شاه، مهره شطرنج سیاسی دشمن از دست رفت و اولین پیام این رویداد این بود که آمریکا نمی‌تواند از نظام‌های سیاسی متحد خود حمایت کند و نظام‌های سیاسی متکی به آمریکا به سرعت قابل فروپاشی خواهند بود و این مسئله برای

آمریکایی‌ها سخت بود. از این رو این اتفاق منجر به تولید یک نظریه شد و در پی آن ارباب در دل همه متحدان آمریکا افتاد و از طرفی قله‌های امید در ملت‌های آزادی خواه شکل گرفت.

اولین واکنش نظام سلطه به تغییر موازنه قدرت از سوی ایران تحمیل جنگ به کشورمان در ابعاد جهانی بود و این در حالی است که ما ملتی تنها بودیم. آمریکا با کمک نیروهای دلتا از یک پایگاه نظامی که در یکی از کشورهای همسایه قرار دارد به کشورمان حمله کرد من از نزدیک این پایگاه را دیده ام این پایگاه یک شهر کامل و مسلح از تجهیزات آمریکایی است که نیمی از وسعت شهر تهران را دربرمی گیرد. نیروهای دلتا مجهزترین و تاکتیکی‌ترین نیروهای مخصوص در دنیا هستند، ولی در طبرس در طوفان شن گرفتار شدند و سوختند. کاری انقلاب اسلامی این بود که تاثیر و میدان جاذبه این قدرت را کوچک کرد البته به فیزیک قدرت دست نزد، اما تاثیر قدرت نظام سلطه را از بین برد. ابتکار انقلاب اسلامی این بود که اعتبار قدرت آمریکا را از بین برد و اثر قدرت نظامی و اقتصادی آن را کاهش داد. وقتی جنگ جهانی نابرابر علیه کشورمان با پیروزی انقلاب اسلامی خاتمه یافت دوباره یک سقوط آزاد در شعاع تاثیرگذاری آمریکا اتفاق افتاد هر چه جلوتر می‌آییم آمریکا در مقابل انقلاب اسلامی دچار شکست‌های استراتژیک شده و این شکست‌ها نسبت ما و نسبت جهان با آمریکا را تغییر داده است.

پیشرفت‌های شگفت‌انگیز کشورمان محصول یک تهدید خطرناک به نام جنگ بود. آمریکا امروز نمی‌تواند با تحریم شعاع اراده ملت‌ها را بشکند جوانان ما دارند عظیم‌ترین طرح‌ها را اجرا می‌کنند و این در حالی است که هیچ کدام آن طرح‌ها در دوران تحریم نخواستند.

رهبری با نگاه دقیقی مناسبات قدرت را مدیریت می‌کنند تا دشمن نتواند از قدرت خود بهره ببرد. با این اوصاف سطح قدرت ما از کنار کرخه و کارون به مدیترانه رسیده و موازنه تغییر کرده است.

امروز آمریکا یک ورشکسته است و نمی‌تواند قدرت خود را به ثروت تبدیل کند و این به دلیل عدم فقدان حکمت در نزد رهبران این کشور است.

پیشرفت‌های کشورمان در فضای حقیقی اتفاق افتاده از این رو دشمن می‌خواهد در فضای مجازی، موهومی و خیال‌انگیز همه این اتفاقات را نادیده بگیرد. هدف نظام سلطه این است که فضائل اخلاقی را از بین ببرد و جوانان ما را بی‌هویت و وجدان آن‌ها را تهی کند و بین حرکات فیزیکی و ذهنی آن‌ها فاصله بیندازد.

جوانان ما امروز دژهای محکمی ساختند تا ما آرام بخواییم. سال‌هاست که جوانان در سردترین نقاط مرتفع کشور تلاش می‌کنند و حتی از سرما یخ می‌زنند تا بتوانند امنیت ما را تامین کنند.

اقتشار دانشگاهی مرجع علمی جامعه هستند دشمن به دنبال سوختن وجدان و ضمیر جوانان ما است و می‌خواهد بی‌هویت‌سازی را در کشور ما رقم بزند غرب تفاضل‌ها را نمی‌پذیرد از این رو در پی غربی‌سازی تمام کشورها هستند امروز رسانه‌ها ابزار دشمن در نبرد علیه ما هستند به گونه‌ای که به منطق‌سازی و دروغ‌پراکنی می‌پردازند.

اساتید باید در مقابل دروغ‌پراکنی‌های رسانه‌ها بایستند و به اندک جوانان فریب‌خورده گوشزد کنند که از تزویر و ریاکاری دشمن تبعیت نکنند.

ما باید الهام‌بخشی، آگاهی‌بخشی، نزدیک شدن به جوانان، ادغام شدن در درون ذهن و قلوب آن‌ها را در دستور کار جدی قرار دهیم تا با نشر اکاذیب و فریب‌های دشمن که هدف اصلی آن‌ها متوقف کردن حرکت انقلاب اسلامی است چهره آرام و پیشرفته کشور مخدوش نشود.

جنگ، عملیات فرهنگی، جنگ روانی و تحریم‌های دشمن تا به امروز بر ما تاثیرگذار نبوده کسانی که در اغتشاشات حضور دارند آدم‌های این کشور هستند و من قول دادم که با همین بچه‌های فریب‌خورده سراغ دشمن برویم و آن‌ها را شکست بدهیم.



منبع- خبرگزاری دانشجو، قالب: سخنرانی در همایش اساتید و جهادگران تبیین (۱۴۰۱/۷/۲۱)

مقاله تخصص‌گرایی در جامعه ما جان‌نیفتاده است

فرهنگ و دانشگاه

از تیرماه سال گذشته که عهده‌دار مسئولیت ریاست قوه قضاییه شده‌ام، به صورت پیوسته و مستمر بر برگزاری جلسات هم‌اندیشی و گفت‌وگومحور با منتخبان و نمایندگان اقشار مختلف مردمی و نخبگانی اهتمام داشته و اعتقاد دارم که برگزاری این قبیل جلسات دارای نتایج نافع و نافذی می‌باشد.

سعه‌صدر و برخورداری از ظرفیت بالا، یکی از اساسی‌ترین لوازم شرکت در یک فرآیند گفت‌وگومحور است؛ انسان باید همه اقوال و سخنان را بشنود و گرایش‌ها فکری و جناح‌بندی‌های سیاسی تأثیری در او برای استماع سخنان دیگران نداشته باشد؛ البته صرف شنیدن کافی نیست، بلکه مباحثه و تضارب نیز لازم است؛ همین مباحثه و تضارب آراء و تعاطی افکار است که سبب رشد و تعالی می‌گردد؛ در این فرآیند مباحثه و تضارب آراء نیز قطعاً ناپردباری و انگ زدن و خشونت کلام و تندخویی جایی ندارد و لازمه آن تدوین سازوکارها و تعیین مبانی و شاخص‌های مربوطه است

در مرحله بعدی از یک فرآیند گفت‌وگو محور فرد باید احسن سخنان و اقوال و نظرات را برگزیند و میان سخن و نظر صواب و کلام و عقیده ناصواب و مغالطه‌آمیز قدرت تمیز و تشخیص داشته باشد؛ در مرتبه دیگری از فرآیند مذکور شاید لازم باشد فرد به صورت میدانی و حضوری و عینیت‌یافته با پدیده یا مقوله یا اتفاق مورد بحث و گفت‌وگو، مواجه شود.

باید باب گفت‌وگو را در کشور بسط و گسترش دهیم و گفت‌وگومحوری و تضارب آراء و تعاطی افکار را به یک فرهنگ عمومی تبدیل کنیم؛

این مقوله باید در میان همه اقشار و آحاد جامعه جا بیفتد و تثبیت شود؛ از کسبه و بازاریان تا نخبگان و دانشگاهیان و صنعتگران؛ قطعاً این فرآیند، امری دستوری و فرمایشی نیست و اختصاص به یک مقطع زمانی خاص ندارد؛ همه اقشار و آحاد جامعه باید به گفت‌وگو و شنیدن سخنان یکدیگر و سؤال و جواب عادت کنیم و خو بگیریم و منصفانه و عادلانه، سخن و نظر حق را پذیرا باشیم

باید مقوله کارآمدی و تخصص‌گرایی را در متن و بطن جامعه جا بیندازیم و تثبیت کنیم؛ وقتی افرادی به خود اجازه می‌دهند بدون داشتن تخصص و مهارت و تجربه در هر حوزه و زمینه‌ای به اظهارنظر بپردازند

و این انتظار را نیز دارند که به حرف و نظر آنها جامه عمل پوشانده شود، بیانگر آن است که مقوله تخصص‌گرایی در جامعه ما جا نیفتاده است.

باید در امر عدم کارآمدی و عدم استفاده از نیروهای متخصص و نخبه، گِره و اشکال کار را شناسایی کنیم؛

آیا در کشف افراد نخبه و نابغه مشکل وجود دارد؟ آیا مشکل در میدان ندادن به آنهاست؟ آیا مشکل به عدم تلاش و پشتکار خود آنها باز می‌گردد؟ آیا در امر حمایت از آنها عیب و نقص وجود دارد؟

اینکه بگوییم متخصصانی از جناح‌ها و گرایش‌های مختلف، جمله و گزاره غلط و اشتباهی است؛ یک متخصص بواسطه تخصص خود در حوزه و رشته مربوطه باید در جامعه شناخته و ارزش‌گذاری شود؛ گرایش و سلیق سیاسی و فکری یک متخصص به جای خود؛ اما ارزش و بهای یک متخصص در جامعه باید به اعتبار تخصص او در حوزه مربوطه باشد.

همه متفق القول هستیم که بدون وجود و استقرار مقوله امنیت، حرکت و پیشرفت در هیچ حوزه و زمینه‌ای ممکن و میسر نیست؛ در خصوص اتفاقات اخیر نیز بارها و مکرراً اعلام کرده‌ایم که صف معترضین را از اغتشاشگران جدا می‌دانیم؛ همچنین

معتقدیم که باید علل این اتفاقات را ریشه‌یابی کنیم و اگر به دنبال منشأ مشکل نرویم دوباره تکرار می‌شود

و ایرادات کار را در هر بخش و ساختاری و کارکردی که وجود دارد رفع کنیم؛ اما در عین حال نباید اجازه دهیم عناصری اغتشاشگر به ایجاد اخلال در زندگی روزه مره و کسب و کار مردم بپردازند و امنیت جانی و روانی آنها را تهدید کنند.

برگزاری دادگاه‌ها به صورت علنی با ترتیباتی که در قانون مشخص شده است، اثرات مثبت و نفعی را از جنبه‌های گوناگون به دنبال دارد؛ البته ممکن است عوارضی نیز بر آن مترتب باشد؛ در اینجا متخصصان مربوطه می‌توانند ایده‌ها و نقطه‌نظرات خود را در باب به حداکثر رساندن مزایا و منافع برگزاری دادگاه‌های علنی و رفع و تقلیل عوارض و معایب آن، ارائه دهند و اطمینان داشته باشند که ما پذیرای این قبیل ایده‌ها و نقطه‌نظرات خواهیم بود.

گزیده سخن حاضران؛

خسرو نصیری زاده از جامعه پزشکی، اگر امروز قوه قضاییه در حال رسیدگی به چندین میلیون پرونده است و با تورم پرونده‌ها روبرو می‌باشد، منشا این موضوع به قوه مقننه و عدم تنقیح قوانین و مقررات در کشور بر می‌گردد.

بزرگترین مشکل کنونی کشور تراکم، تعارض و تداخل قوانین بوده و مادامی که این مشکل حل نشود، با تورم پرونده‌ها در دستگاه قضایی مواجه خواهیم بود و نمی‌توانیم در برابر کنش‌های اجتماعی، عکس‌العمل مناسب نشان دهیم.

نصیری قیداری؛ رئیس دانشگاه، اتفاقات اخیر به جای تهدید، می‌تواند یک فرصت برای کشور باشد به ویژه اگر از زاویه گفتگو به آن نگاه کنیم. پیشنهاد دارم بستری فراهم شود تا دو واحد درس حقوق به همه دانشجویان در تمام رشته‌های دانشگاهی تدریس شود.

محمدجعفر فردحسینی؛ عضو هیات علمی دانشگاه و کارآفرین، در برهه کنونی ما نیازمند آن هستیم که تریبون را در اختیار نخبگان و عقلا قرار دهیم و شاهد هستیم که قوه قضاییه در اجرای این مقوله پیش‌تاز شده است.

سهراب بختیار؛ کارشناس اقتصادی، اختصاص سهام عدالت و پرداخت یارانه به دهک‌هایی از جامعه، تنها مُسکن‌هایی برای وضعیت کنونی هستند و راهکارهای مناسبی در میان مدت محسوب نمی‌شوند.

سلیمیان؛ عضو هیئت علمی دانشگاه، ۱۸ سال پیش وزرای صنعت و تجارت ۱۴ کشور عضو اکو به ایران آمدند و در جریان یک سمینار علمی، طرح مبسوط، کاربردی و دانش‌بنیانی که از سوی ۳۰ دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس تهیه شده بود را به امضا رساندند تا به مرحله اجرا دربیاید. متأسفانه وزیر صنایع وقت، هیچ‌گاه آن طرح را به مرحله اجرا درنیاورد.

کبری طاهری؛ برنامه‌ریز شهری، نباید شرایط به نحوی باشد که الگوی برخی از دختران کشور ما، چهره‌های معروف فضای مجازی باشند.

۳۳

مجید کمان‌کش؛ فعال اقتصادی، در شرایط کنونی که دشمن بیشتر از ناحیه اقتصادی در حال ضربه زدن به کشورمان است، دولت باید بسترهای حمایت از کارآفرینان را بیش از پیش تقویت کند. باید شرایط به نحوی باشد که چنانچه ما فساد را شناسایی کردیم، بتوانیم آن را به راحتی نزدیک مسؤل که کنار وی احساس امنیت می‌کنیم، گزارش دهیم.

حسین سلیمانی؛ فعال اقتصادی، متأسفانه مسؤلان بلندپایه دولت قبل در سال ۱۳۹۹، کسری بودجه خود را از طریق ایجاد حباب در بورس، فروش سهم‌ها به چندین برابر قیمت و دعوت مردم به بورس

در شرایط اوج حباب بورسی تامین کردند. در حال حاضر که شاهد حباب منفی در بورس هستیم، باید نقدینگی وارد تولید و شرکت های بورسی شود و این مسئله یک نیاز جدی است و با شعار تحقق پیدا نمی‌کند.

شاطرزاده: عضو هیات علمی دانشگاه، متاسفانه هیچکدام از دولت‌ها در زمینه مبارزه با تبعیض نتوانسته‌اند توفیق چندانی به دست بیاورند «عدم تمکین به قانون از سوی برخی مقامات عالی و مسئولان و نمایندگان مجلس»، «فراقانونی عمل کردن برخی روسای جمهور»، «اعمال قانون برای فقرا و ضعفا و عدم اعمال قانون برای اغنیاء»، «ویژه‌خواری، رانت‌خواری، امتیازها و سهمیه‌های خاص»، «دوگانگی در برخورد های قانونی مثل گشت ارشاد برای جوانان عادی و عدم گشت ارشاد برای ثروتمندان و هنرمندان» و همچنین «صدور حداقل حکم قضایی برای اغنیاء و حداکثر حکم قضایی برای فقرا» از جمله مصادیق تبعیض در کشور ما طی سالیان و دوره‌های گذشته محسوب می‌شود.

سوادکوهی: کارآفرین:، نباید شرایط در کشور ما به شکلی باشد که مدیری که ۸۰۰ میلیارد تومان بیت‌المال را در دوران مسئولیت گذشته خود نابود کرده است، به صورت سفارشی و رانتی، مجدداً در یکی از هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری مسئولیت بگیرد.

احمد همتی: نماینده ادوار، چنانچه ما بخواهیم تقوا را در همه جنبه‌ها و شئون مختلف جامعه به وجود بیاوریم، باید به ایجاد و گسترش عدالت در همه جوه نیز توجه داشته باشیم.



شفاف سازی توسط نخبگان دانشگاهی، مهمترین راه مقابله با فتنه است

فرهنگ و دانشگاه

در اشاره به ویژگی‌های جامعه‌ای که دچار فتنه می‌شود باید گفت افراد چنین جامعه‌ای حق و باطل را با اشخاص می‌سنجند، یعنی به جای رجوع به اصول و معیارها، مواضع افراد، یا اخبار بی سند را شاخص شناخت قرار می‌دهند.

دومین ویژگی این جامعه، معارضة خودی‌ها و مواضع باطل برخی خواص است. زمانی یک جامعه مستعد فتنه می‌شود که حق را با افراد بسنجند زیرا برخی خواص و نخبگان اقدام به موضع‌گیری بی‌مبنا می‌کنند که در این صورت، شناخت حق برای عامه مردم مشکل خواهد شد.

جامعه در شرایط ابهام و تردید، به گروه‌های مرجع خود و خواص رجوع می‌کند. اگر آنها برای اظهار حق به صحنه نیایند و سکوت کنند، جامعه به دلیل بقای فضای ابهام دچار فتنه می‌شود.

به هم ریختن مرز بین دوست و دشمن نیز در جامعه فتنه زده بروز پیدا می‌کند و یکی از نشانه‌های آن تغییر مرز بین دوستان و دشمنان آن است که منجر به سخت شدن شناخت حق و باطل می‌شود؛ یعنی کسانی را که روزگاری در لباس دوست می‌شناختیم، به ناگهان در جایگاه دشمن اقدام می‌کنند که این موضوع یا از روی ناآگاهی است و یا برنامه ریزی شده است. جابه‌جا شدن متن با حاشیه در جامعه‌ای فتنه زده به این معنا در شرایط فتنه افرادی که در معارضة با جریان حق قرار دارند الزاماً بر روی یک موضوع واحد نمی‌ایستند چرا که می‌دانند امکان معارضة مستقیم با حق در موضوعی که منجر به بروز فتنه شده وجود ندارد و موجب پس زدن آنها از سوی جامعه می‌شود، بنابراین با جا به جا کردن مسائل و تبدیل مسائل فرعی به اصلی و کوچک کردن مسائل بزرگ و بزرگ نشان دادن مسائل کوچک و با استفاده از ابزار رسانه، جامعه را دچار چالش جدی می‌کنند.

شفاف سازی و بصیرت افزایشی نسبت به ابعاد فتنه از سوی نخبگان جریان حق، یکی از اساسی ترین راه‌های مقابله با فتنه است و محیط دانشگاه ظرفیت مهمی برای اجرای این موضوع است.

جنس فتنه از جنس چالش نرم است و مواجهه با آن از طریق ابزارهای قانونی، انتظامی و قضایی در کوتاه مدت جهت انتظام بخشی به جامعه، کارایی دارد اما در بلند مدت باید فضایی به وجود آورد تا در وضعیت به هم آمیختگی، حق و باطل شفاف شود و آحاد جامعه قدرت تشخیص از دست داده را به دست آورند اینجا جریان دانشجویی است که می‌تواند ایفای نقش جدی کند.

باید با مدارا زمینه شکل‌گیری زنجیره بازگشت را فراهم کرد که این بازگشت داوطلبانه، نماد قدرت و موفقیت جمهوری اسلامی است. ایستادگی بر مواضع اصولی و عقلانی نظام جمهوری اسلامی از دیگر راه‌های مقابله با فتنه است که نیازمند جهاد تبیین و مطالبه‌گری جریان دانشجویی است.

مراقبت از وحدت و انسجام جامعه و جلوگیری از دوقطبی سازی‌های کاذب حول موضوعات متعدد یکی دیگر از اقدامات پدافندی است که جریان دانشجویی باید برای آن برنامه ریزی و اقدام کند ضمن آنکه فصل الخطاب بودن قانون موضوعی است که می‌تواند مانع رشد فضای فتنه و آتارشی در جامعه شود که دانشگاه و دانشجو حتما باید بر این موضوع تأکید و مطالبه‌گر باشد.

تلاش برای خروج از انفعال فعالان و نخبگان سیاسی با تخطب قرار دادن ایشان از سوی دانشجویان باعث می‌شود تا اولاً بخشی از خودی‌های سقوط کرده یا منفعل، فعال و بازسازی شوند و دوماً به تبع آن موضوع، هدایت اجتماعی هموار می‌شود.

باور به جنگی بودن اوضاع، مقوله مهم دیگری است که در صورت عدم باورمندی آن در محیط دانشجویی و دانشگاهی کاری پیش نخواهد رفت وقتی بیان می‌شود که دشمن امروز با نظام اسلامی وارد جنگ نرم شده است یعنی در شرایطی قرار گرفته‌ایم که این جنگ چالشی بر سر موجودیت جمهوری اسلامی بوده و دانشجویان افسران جوان چنین چالشی هستند. امروز برای همه روشن شده که اگر در حوزه فکر و فرهنگ مغلوب شویم در همه عرصه‌ها صحنه را واگذار کرده‌ایم و تازمانی که این مفهوم عمیقاً باور نشود نمی‌توان چشم انداز روشنی در این جنگ متصور بود که

جریان دانشجویی جدای از نقش کنش‌گری در جنگ نرم، مطالبه‌گران اصلی برای به خط کردن دیگر نخبگان اجتماعی هستند.



منبع - خبرگزاری ایرنا، قالب: نشست (۱۴۰۱/۷/۲۸)

در حوزه اطلاع رسانی، تبیین و تحقق کرسی‌های آزاداندیشی ضعف جدی داریم

فرهنگ و دانشگاه

ظرفیت‌های قانونی در اسناد بالادستی و آئین نامه‌های وزارت علوم و دانشگاه‌ها جهت حمایت از کرسی‌های آزاد اندیشی، نقد و مناظره از حدود دو دهه گذشته فراهم شده اما متأسفانه در حوزه اطلاع رسانی، تبیین و تحقق این کرسی‌ها ضعف جدی داشتیم. با توجه به منویات رهبر معظم انقلاب و سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های موجود در وزارت علوم، دانشجویانی که ایده، نقد، نظر و یا دیدگاه متفاوت و یا مخالف با نظریه‌ها، هنجارها، سیاست‌ها، قوانین، رویه‌ها و رویکردهای موجود در کشور دارند، می‌توانند با رعایت اخلاق حرفه‌ای، با طیب خاطر و آزادانه در کرسی‌های آزاد اندیشی، نظر خود را مطرح و از آن دفاع نمایند. به نظر می‌رسد

کلاس‌های درس دانشگاه‌ها یکی از بهترین محل‌ها برای آزاداندیشی است، پیشنهاد این است که هر کلاس درس یک کرسی آزاد اندیشی باشد،

اساتید دانشگاه‌ها نقش موثری در ایجاد فضای آزاداندیشانه نسبت به نظریه‌ها و مسائل علمی، فرهنگی و اجتماعی دارند.

از مأموریت‌های اصلی معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف، ترویج فضای آزاداندیشی، فرهنگ گفت‌وگو، نقد و مناظره، تسهیل فرایند اجرای کرسی‌ها، ایجاد فضای امن برای آزاداندیشان و توجیه مسئولین دانشگاهی نسبت به فرصت بی‌نظیر کرسی‌ها برای بیان کلیه دیدگاه‌های متنوع و متکثر است. استقلال، استدلال و انتقاد دانشجویان لازمه پویایی، نشاط دوره دانشجویی و محیط‌های دانشگاهی است و در صورت مشارکت اعضای هیئت علمی، دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی در شکل‌دهی به کرسی‌های آزاد اندیشی می‌توان شاهد رونق فضای گفت‌وگو در دانشگاه بود. مطابق آیین‌نامه تشکل‌های اسلامی، تشکل‌ها می‌توانند به صورت قانونی درخواست راهپیمایی و تجمع بدهند و هیات نظارت دانشگاه مرجع اعطای مجوز به این درخواست‌ها می‌باشد. متأسفانه در چند روز اخیر برخی دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی بدون توجه به رویه‌های قانونی، تجمع‌های محدودی داشتند و بعضاً با رفتارهای پرخاشگرانه و استفاده از شعارهای خارج از ادب و شأن

دانشگاه موجب ناراحتی دانشگاهیان شدند. اسلامی خاطرنشان کرد: حتی باید با اقدامات هنجارشکن، هیجانات منفی و پرخاشگری‌ها در فضای دانشگاهی با صبر و اغماض و در چارچوب ضوابط دانشگاه مواجهه نمود و مسائل هر دانشگاه در چارچوب همان دانشگاه حل و فصل شود.



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

منبع- سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف، قالب: نشست (۱۴۰۱/۷/۱۸)

ضعف ادبیات نظری در نگارش رمان و داستان بر محور پیامبر اسلام

فرهنگ و دانشگاه

حضرت محمد (ص) شکل دهنده هویت ما و بزرگ و سرور ما مسلمانان، همچنین سرچشمه تمام فضایل و خوبی‌ها و برگزیده خداوند هستند و باید بیشتر در حوزه ادبیات داستانی به ایشان پرداخته شود. در تحقیقی که با نام «دین در پرده نقره‌ای» با هدف بررسی پرداختن به شخصیت حضرت محمد (ص) و حضرت عیسی (ع) در ادبیات داستانی انجام دادیم، به این نتیجه رسیدیم که

مسیحیان در ۱۸۰ فیلم به معرفی عیسی (ع) پرداخته‌اند ولی درباره پیامبر اسلام (ص) تنها دو فیلم فاخر تهیه شده است.

در حوزه ادبیات داستانی، با وجود اینکه آثار ادبی بسیاری مانند «مرشد و مارگاریتا» را سراغ داریم که به طور مستقیم و غیر مستقیم به حضرت عیسی (ع) توجه دارند در ادبیات داستانی (فارسی و عربی) متاسفانه در حوزه پیامبر اسلام (ص) کم کاری شده و اثر شاخص و مهمی نداریم و تنها می‌توان به تعداد انگشت‌شماری از جمله «آنک آن یتیم نظرکرده» یا «سه کاهن» اشاره کرد.

ارتقای ادبیات داستانی در حوزه پیامبر اسلام (ص) نیازمند توجه، تشویق و تبلیغ گسترده است. در سال‌های اخیر جشنواره خاتم عهده‌دار معرفی بهترین آثار داستانی در این حوزه شده و در خلق رمان و داستان موثر بوده است به طور کلی در حوزه ادبیات داستانی یا رمان دینی دچار ضعف هستیم.

ضعف نظری باعث شده که نویسنده حوزه دین که می‌خواهد درباره پیامبر اسلام (ص) داستان بنویسد نداند چگونه باید بنویسد؟

آیا خود پیامبر می‌تواند محور داستان باشد یا باید از شخصیتی فرعی استفاده کند یا تا کجا می‌تواند وارد فضای خیال شود؟ در چنین شرایطی برای بهبود وضعیت فعلی باید آثاری در حوزه ادبیات نظری خلق

شود که حاوی نقدها، تجربه‌ها، رهنمودها و مباحثی باشد که نویسندگان با مطالعه آنها رمان موفق‌تری را تولید کند.

نویسندگان ما برای مراجعه به تاریخ یا باید به منابع اصلی ترجمه‌ای یا غیرترجمه که شیوه روایی دشوار دارند یا باید به آثار تاریخی که تازه نوشته شده مراجعه کنند که برای تدریس یا برای مخاطب عموم هستند و قالبی سنتی دارند و اغلب درباره بعثت، هجرت و فتح مکه هستند و کمتر جزییات، ظرایف و روایت‌هایی از آنها استخراج می‌شود.

البته کتاب‌هایی چون «همنام گل‌های بهاری» در پرداختن به سیره نبوی حتی درباره لباس پوشیدن، راه رفتن و تعامل پیامبر اسلام (ص) و همچنین کتاب «اخلاق پیامبر و اخلاق ما» داستان‌های زیبایی را از زندگی پیامبر از لابه‌لای کتاب‌های تاریخ، سیره و حدیث ارایه کرده‌اند. فعالان حوزه تاریخ اسلام باید آثاری را فراهم کنند که به جنبه‌هایی از حیات و سیره نبوی که مغول مانده‌اند بپردازند و در اختیار عموم قرار دهند.

نویسندگان می‌توانند از روایت‌هایی که در سیره و حدیث وجود دارد برای خلق داستان و رمان استفاده کنند و تا جایی که خیال منجر به دروغ بستن نباشد مانعی ندارد براساس استفتاء از آیت‌الله شبیری زنجانی گفته شده که بیان زبان حال اشکالی ندارد به گونه‌ای که مخاطب احتمال صحت دهد و دون شان پیامبر (ص) نیز نباشد.



منبع - رسانه تحلیلی عظنا، قالب: گفتگو (۱۴۰۱/۷/۲۳)

فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه باید توسط دانشجویان و تشکل‌ها صورت گیرد

فرهنگ و دانشگاه

دانشگاه پویاترین و سرزنده‌ترین نهاد کشور است. زیرا در آن ترکیب بی‌نظیری از جوانی، آرمانگرایی، دغدغه‌مندی، مسئولیت اجتماعی و جستجوگری وجود دارد بنابراین دانشگاه پررودادترین نهاد کشور نیز هست، به طوری که شاید هیچ نهاد و سازمانی در کشور به اندازه دانشگاه‌ها رویدادهای علمی، فناوری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، دینی، کارآفرینی و دیگر رویدادها را نداشته باشند.

این رویدادها عموماً توسط خود دانشجویان و در قالب گروه‌های مختلف دانشجویی توسط تشکل‌های دانشجویی، انجمن‌های علمی، هیات‌های مذهبی، کانون‌های فرهنگی و هنری و مانند آن برگزار می‌شود. جشنواره‌ها، همایش‌ها، اردوها، نشست‌های علمی، مناظرات سیاسی و برنامه‌های فرهنگی نمونه‌های مرسوم و پرتکرار این رویدادهاست.

اعتراض هم نمونه‌ای از این فعالیت‌ها است اگرچه اعتراض‌ها، فراوانی زیادی ندارد ولی همواره در دانشگاه‌ها وجود داشته و مرسوم بوده و از این حیث موضوع پیچیده و نادری نبوده و نیست.

اگر اعتراض در مدار قانون باشد و اخلاق و آداب مدارا و گفت و گو و دستورالعمل‌های محیط دانشگاه در آن رعایت شود و آسیبی به کارکرد اصلی دانشگاه که علم آموزی است وارد نکند، می‌تواند به فرآیندهای هویت‌یابی

بر همین اساس همواره تاکید داشته و کماکان داریم که

فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه باید توسط دانشجویان و مجموعه‌های دانشجویی صورت گیرد و کارها تا حد امکان به آنها واگذار شود.

زیرا این فعالیت‌ها و برنامه‌ها عنصر اصلی جامعه‌پذیری دانشجویان است و آنها را برای ورود به جامعه و پذیرش نقش‌های اساسی آماده می‌کند.

دانشجویان آینده‌سازان جامعه هستند. البته ممکن است این دانشجویها و گروه‌های دانشجویی دچار

خطا شوند، اما اولاً باید سعی کرد با مشورت‌های مناسبی که صورت می‌گیرد از میزان خطاها کاست و اگر دچار خطا می‌شوند، هزینه خطا را کاهش داد و فرصتی فراهم کرد که این خطاها جبران شود.

در نهایت قواعد و آیین‌نامه‌های مناسب برای تنظیم‌گری فضای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه وجود دارد که می‌شود از آنها استفاده کرد. ضمن آنکه هزینه خطای دانشجو در محیط دانشگاه به مراتب کمتر از خطای او در خارج از محیط دانشگاه است و یادگیری و تجربه‌اندوزی را برای او همراه خواهد داشت.

در ماجرای اخیر هم تحول و مدارا و هم هدایت دانشجویان معترض به چارچوب‌های قانونی و اخلاقی و متناسب با شئون دانشگاه مورد توجه قرار گرفت و روسا و معاونین دانشگاه‌ها همکاری خوبی در این زمینه داشتند. حتی در مواردی که این اعتراضات با تحرکات خارج از قانون و اخلاق همراه شد، سعی بر اغماض و تحمل و مدارا بوده است.

اما واقعیت تلخ این است که معدود رفتارهای خارج از عرف و قانون در دانشگاه و خشونت‌های کلامی و رفتاری، مدیریت فضا را بسیار دشوار کرد و تصویر خوبی را از دانشگاه مخابره نکرد که باید مورد واکاوی قرار بگیرد و علل آن شناسایی شود.

بخش زیادی از این رفتارها، چنانکه بارها و بارها نیز قبلاً بیان شده ناشی از اختلال در فرآیندهای جامعه‌پذیری در نتیجه همه‌گیری کرونا و مجازی شدن مدارس و دانشگاه‌ها بوده است. بنابراین باید فرآیندهای جامعه‌پذیری را در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها مجدداً احیا و تقویت کرد.

به دانشجویان، مجموعه‌های دانشجویی و حتی معترضان تاکید می‌کنیم از ظرفیت‌های قانونی موجود استفاده و برنامه‌ها و فعالیت‌های خود را با استفاده از این فرصت‌ها پیگیری کنند تا دانشگاه از نظم، قانون و علم‌آموزی و پژوهش خارج نشود نقش مجموعه‌های دانشجویی تمرین فعالیت گروهی، پرورش مسئولیت اجتماعی و هدایت و پیگیری علائق و آرمان‌ها و سلايق دانشجویی است.

تعطیلی این مجموعه‌ها به این معنی است که جامعه دانشجویی ما تبدیل به یک جامعه توده‌ای شده است؛ بنابراین برخی فعالیت‌های خارج از عرف و قانون در دانشگاه نتیجه توده‌ای شدن جامعه دانشجویی و نداشتن نمایندگی دانشجویان توسط مجموعه‌های دانشجویی است.

کرسی‌های آزاداندیشی، مناظرات و سخنرانی و نقد ظرفیت‌های خوبی است که در اختیار مجموعه‌های دانشجویی و دانشجویان و حتی اساتید قرار دارد.

باید فضای گفت و گویی میان اساتید با یکدیگر، اساتید با دانشجویان و دانشجویان با دانشجویان را فعال کرد همچنانکه باید حضور مسئولان در دانشگاه و تقویت فرهنگ پاسخگویی و تبیین به طور جدی دنبال شود.

خروج از مدار قانون هر فعلی را مجاز می کند؛ بنابراین این رویه حتی به نفع قانون شکنان هم نیست. خشونت موجب افزایش خشونت می شود و صد البته از جمعیت هوادار معترضان نیز خواهد کاست. کماینکه در همین مدت، با افزایش خشونت کلامی و رفتاری برخی دانشجویان، بسیاری از دانشجویان صف خود را از آنها جدا کردند؛ بنابراین قانون ممیز است و دانشگاهیان باید به قانون توجه کرده و در آن مسیر گام بردارند.



منبع- خبرگزاری دانشجو، قالب: گفتگو (۱۴۰۱/۷/۲۰)

بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی از سوی رهبری، ناشی از یک ضرورت اجتماعی است

فرهنگ و اجتماع

هویت و اقتدار امروز ایران اسلامی برخاسته از فرهنگ غنی ما است که نه فقط امروز بلکه همواره مورد هجوم و حمله قرار داشته است.

روشنفکران، فرهیختگان و نخبگان جامعه متولی اصلی دیدبانی و رصد تحولات بوده و باید پیش از دیگران آسیب‌ها را شناسایی کرده و به موقع نسبت به آنها هشدار دهند

و قبل از دیگران برای رفع آنها راهکار ارائه دهند در طول تاریخ طولانی کشورمان همواره بزرگان و دلسوزانی بوده‌اند که قبل از عموم مردم آسیب‌ها را شناسایی کرده، نسبت به آنها هشدار داده و برای رفع آنها در میدان عمل گام برداشته‌اند و این رویه اساساً شاخص و معیار شناسایی نخبگان و روشنفکران است. بسیار مهم است که بتوانیم ناهماهنگی‌ها و تداخل‌ها و اگر چه به میزان کم، اما بعضاً تعارض‌ها را نیز تا حد امکان برطرف کرده و کاهش دهیم و همه این کارها باید در بررسی وضع موجود دیده شده و برای آنها راهکار طراحی شود تا امکان استفاده از حداکثر ظرفیت‌ها برای به نتیجه رسیدن سریع‌تر و دقیق‌تر بازسازی ساختار فرهنگی کشور فراهم آید.

توجه به چابک‌سازی از دیگر ضرورت‌های موفقیت در تحول و بازسازی ساختارهای فرهنگی کشور است وقتی یک سازمان فرهنگی عریض و طویل شود به مسایلی مبتلا خواهد شد که مأموریت‌های اصلی آن دستگاه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، لذا دستگاه‌های فرهنگی باید چابک و مسئله‌محور باشند و صرفاً بر حل و پیشبرد مسائل خود تمرکز کنند.

طراحی شاخص‌های سنجش میزان موفقیت برای دستگاه‌های فرهنگی از دیگر اقدامات مهم است توسعه سواد رسانه‌ای و به تعبیر دقیق‌تر سواد مجازی برای همه قشرها و ارکان جامعه نیز ضرورت دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد.

رهبر معظم انقلاب همواره بر توجه به ظرفیت عظیم بانوان برای نقش آفرینی اجتماعی تأکید کرده‌اند. همچنین لازم است در کنار فعال‌تر شدن صدا و سیما که مسئولیت بزرگی بر عهده دارد، معاونت‌های پژوهشی نیز در دستگاه‌های مختلف با محوریت طراحی الگوهای کارآمد فرهنگی و تربیتی فعال‌تر شوند.

گفتگو و تبادل نظر به رفع شبهات و ارائه پیشنهادات موثر برای تسریع در تحقق هدف کمک زیادی می‌کند.

مراکز علمی و پژوهشی باید برای ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی که مورد تاکید رهبر معظم انقلاب نیز می‌باشد، بیشتر تلاش کنند.

اجرای موفق طرح تحول در ساختار فرهنگی کشور نیازمند هدایت کارها از یک ستاد و مرکز بوده که رهبر معظم انقلاب اسلامی رهنمودهای لازم را ارائه کردند

و بنده به عنوان یک طلبه خدمتگزار و شما به عنوان مسئولین بخش‌های مختلف موظف هستید با احساس مسئولیت جدی تحقق این رهنمودها را دنبال کنید.

ما امروز یک بسته برای تحول انقلابی ساختارهای فرهنگی کشور داریم که باید ماه به ماه و یا نهایتاً در پایان هر فصل بتوانیم با شاخص‌های دقیق میزان تحقق آن را ارزیابی کنیم.

ستاد مرکزی پیگیری مصوبات شورای عالی، می‌تواند در سازمان تبلیغات اسلامی یا دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و یا با همکاری این دو تشکیل شود و با پیگیری دقیق، گزارش اقدامات انجام شده را به شکل نوبه‌ای و منظم به فرهیختگان و مردم ارائه شود.

در کنار دبیرخانه و ستاد اجرای پیگیری طرح تحول شخصاً اجرا و میزان پیشرفت آن را پیگیری خواهم کرد.

حوزه فرهنگ از اولویت های اصلی حکمرانی است

فرهنگ و اجتماع

رهبر معظم انقلاب در طلیعه فعالیت دولت مردمی در جمع اعضای هیات دولت مفاد مهمی را در حوزه بازسازی حکمرانی کشور مطرح کردند ایشان در این دیدار فرمودند در همه حوزه ها نیاز به بازسازی انقلابی با شیوه و منطق انقلابی که عقلانی و فکورانه است، احساس می شود ایشان در این دیدار به طور ویژه به مباحث فرهنگی پرداختند و سه بخش را مورد توجه قرار دادند که شامل بخش عمومی فرهنگ و به تعبیر همیشگی ایشان «فرهنگ به مثابه هوایی که تنفس می کنیم»، بخش مربوط به ابزارهای فرهنگی همچون سینما، تئاتر و موسیقی که تاکید داشتند دولت جدید ساختارهای آن را با حرکت ایجابی و تولیدی قوی به ریل انقلاب بازگرداند و سومین مورد نیز توجه رهبر معظم انقلاب به ظرفیت های جبهه فرهنگی انقلاب و جوانان بود. در این معنا که دولتی که با شعار مردمی بودن و مردمی سازی فعالیت خود را آغاز کرده، توجه ویژه ای به جبهه فرهنگی انقلاب داشته باشد.

هر فعالیت تازه ای در زمینه بازسازی ساختار فرهنگ و هنر نیازمند آسیب شناسی جدی از وضعیت فعلی است.

مشکل حوزه فرهنگ را تنها در این نقیصه که تحت عنوان «تعدد ساختارها و نهادهای فرهنگی» مطرح می شود، جستجو نمی کنیم.

در یک دهه اخیر، حوزه فرهنگ دستخوش تحولی شده که بدون توجه به آن ها نمی توان به بازسازی ساختارهای فرهنگی اندیشید به عنوان نمونه اگر در حوزه اقتصاد مجموع تحولات نمایانگر رشد حدود صفر است که مورد انتقاد بسیاری قرار می گیرد در حوزه فرهنگ اوضاع بدتر است زیرا در اقتصاد می توان با بهره گیری از شاخص های کمی، وضع موجود را سنجید اما بررسی های تفصیلی بنده نشان می دهد وضعیت حوزه فرهنگ نسبت به اقتصاد اسف بارتر است.

در طول یک دهه گذشته اقتصاد فرهنگ حکمرانی به شدت تضعیف شده و مدیریت فرهنگی از سوی حاکمیت آسیب دیده است،

همه اختلافات ما با نگرش لیبرالی به اداره جامعه مربوط به این نکته است که معتقدیم دولت در حوزه فرهنگ مسئولیت دارد. در واقع نقطه افتراق با رویکرد لیبرالی همین نکته است. در مقایسه با رویکرد لیبرالی به مدیریت فرهنگی، معتقد هستیم حاکمیت اسلامی مسئول فرهنگی جامعه است و باید مردم را به سوی سعادت، هدایت کند.

اندیشمندان بزرگ از قرن سوم، از فارابی و امام محمد غزالی گرفته تا حضرت امام خمینی(ره) به عنوان پرچمدار تشکیل دولت دینی، همگی کار اول سیاست را سعادت مردم در دنیا و آخرت ذکر می کنند.

بنابراین حوزه فرهنگ از اولویت های اصلی حکمرانی دینی است اما با نگاهی به یک دهه گذشته درمی یابیم که میزان مداخله دولت در فرهنگ به معنای نظارت و تسهیل گری کاهش یافته است.

برای نمونه مدیریت نمایش در صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد و همه مجموعه ها در حوزه حاکمیت مجموع اعتباراتشان به ۵۰۰ یا ۶۰۰ میلیارد تومان هم نمی رسد اما در بخش خصوصی چند هزار میلیارد تومان هزینه می شود و این یعنی اینکه اتفاق مهمی افتاده است. به عبارتی قواعد در این حوزه به هم خورده است.

در پاسخ به این مساله که «برای بازسازی فرهنگی و مدیریت فرهنگی چه اتفاقاتی باید بیفتد» اول از همه باید حداکثر هماهنگی در حوزه مدیریت دولتی و دستگاه های فرهنگی رخ دهد در همین راستا ستاد هماهنگی فرهنگی دولت تشکیل شده است که شخصیت های حقیقی و وزرای دولت در آن عضو هستند.

موضوع بعدی مسئله بودجه است. در ساختار دولت با هزینه های بسیاری در مسائل فرهنگی، اجتماعی مواجه هستیم در تبصره ۹ قانون برنامه و بودجه بند ز به موضوع بودجه حوزه فرهنگ توجه شده است از سوی دیگر در همه بخش های دولتی طبق آیین نامه ای که به تصویب هیئت دولت رسید، سازماندهی هزینه و بودجه های فرهنگی دستگاه های دولتی بررسی می شود و از امسال هزینه های فرهنگی سازمان های بزرگ دولتی ضابطه مند خواهد شد.

مسئول تراز انقلاب اسلامی باید دغدغه فرهنگی داشته باشد.

فرهنگ و اجتماع

در بررسی ویژگی‌های خواص تراز انقلاب اسلامی ابتدا باید مراد و منظور از خواص را مشخص کرد. اگر منظور از خواص، خواص و فعالان سیاسی باشند این ویژگی‌ها شامل بخش‌ها و عرصه‌های مختلفی می‌شود. یکی از این بخش‌ها حوزه مباحث سیاسی و آشنایی با ادبیات سیاست داخلی و خارجی است.

کسی که می‌خواهد متصدی یک منصب سیاسی یا اجتماعی شود به طور طبیعی نیازمند حداقل آشنایی‌ها با سیاست است.

برای مثال کسی که می‌خواهد نماینده مجلس شود باید با ادبیات سیاسی و حقوق اساسی آشنایی داشته باشد. این حداقل کار یک نماینده مجلس است چرا که نماینده وظیفه قانونگذاری دارد و وضع قوانین خوب و متناسب کشور بدون علم و آگاهی امکان پذیر نیست. متأسفانه بخشی از افرادی که امروز نماینده مجلس هستند، با مباحث و ادبیات سیاسی موجود در ایران و جهان آشنایی کافی ندارند. کسانی که در رشته‌های غیر علوم انسانی مانند رشته پزشکی تحصیل کردند، آشنایی کمتری با حیطه سیاست دارند. این مسئله کار را دشوار می‌کند. قوانینی که در مجلس و نهادهای تصمیم‌گیر تصویب می‌شود، قوانین زندگی اجتماعی مردم است و قرار است زندگی مردم با این قوانین سروسامان پیدا کند. از دیگر فضائل اخلاقی که برای یک سیاستمدار مسلمان واجب است عدالت است. مسئول باید در محیط کاری خودش عدالت را رعایت کند.

فردی که قرار است بخشی از سامانه اداره جامعه اسلامی باشد نمی‌تواند و نباید در قضایای گوناگون ناعادلانه رفتار کند.

در نگاهی کلان‌تر یک مسئول و خواص تراز انقلاب باید دغدغه فرهنگی داشته و با حوزه فرهنگ آشنا باشد.

سیاستمدار نظام اسلامی باید متدین به احکام و اعتقادات اسلامی باشد. اعتقادات اسلامی فضای خاصی را ایجاد می‌کند و در صدر آن نگاه توحیدی است که به فرد می‌بخشد. البته منظور از تدین این نیست که فرد در ظاهر یک سری مناسک را انجام بدهد و در معرض دید عمومی به انجام احکام تمسک بکند بلکه مقصود این است که فرد مسئول در عمق وجود و باطن خود عامل به احکام و متدین به دین باشد.

اخلاق‌مداری ویژگی است که در حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز جاری است و نباید مورد غفلت قرار بگیرد. امام موسی صدر در مباحث تفسیر قرآن‌شان راجع به رذائل اخلاقی می‌فرمایند: به رذائل اخلاقی مانند غیبت، تهمت، دورویی و نفاق نباید نگاهی فردی داشت، اینها رذائلی است که اگر در یک جامعه به وجود بیاید باعث فروپاشی آن جامعه می‌شود. وقتی سیاست‌اشتهای توسط مسئولی اتخاذ شده و سال‌ها بر آن تاکید و تکیه می‌شود، انحرافات را تشدید می‌کند و مشکلات و آسیب‌های متعددی را در پی خواهد داشت.

بحث پیرامون ویژگی‌های خواص تراز انقلاب اسلامی بحث بسیار مهمی است. تأمل و تاکید در این موضوعات و توجه دادن به آن می‌تواند بسیار راهگشا باشد. ممکن است مردم با بسیاری از مشکلات کنار بیایند اما با تبعیض و ویژه‌خواری مسئولین هیچ‌گاه کنار نخواهند آمد. بنابراین مردمی بودن مسئولین، مدیران، کارگزاران و صاحب‌منصبان نظام اسلامی یکی از مهمترین ویژگی‌های خواص تراز انقلاب اسلامی است.



خودگذشتگی، سعه صدر و فداکاری از ملزومات اولیه وحدت و اتحاد است

فرهنگ و اجتماع

یکی از مباحث کاربردی و راهبردی در عصر فعلی بحث وحدت و اندیشه تقریب اسلامی است. حضرت علی (ع) در نامه ۷۸ نهج البلاغه در خصوص وحدت و انسجام بین مسلمین، خود را حریص‌ترین افراد به مقوله اتحاد معرفی می‌کنند، ایشان می‌فرمایند: «وَلَيْسَ رَجُلٌ - فَاغْلَمٌ - أَحْرَصَ [النَّاسِ] عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (صلى الله عليه وآله) وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي؛ اُنْتَعَى بِدَلِكِ حُسْنِ الثَّوَابِ وَ كَرَمِ الْمَأْبِ» «بدان که، در باره مسئله انسجام و الفت امت پیامبر کسی را از من حریص‌تر نمی‌بینی» این نگرش تقریب‌گرایانه حضرت به خاطر مسائل سیاسی نیست. ما باید در راستای مباحث کشوری، ملی و امنیت ملی انسجام اسلامی داشته باشیم. ایشان می‌فرمایند «من به واسطه این وحدت‌گرایی، به دنبال ثواب و رضایت خدا و جایگاه نیک هستم». حضرت علی (ع) می‌فرمایند، من دنبال مصالح سیاسی، زد و بند و سازش و... نیستم. می‌بینم اختلاف وجود دارد، میدانم شکاف وجود دارد. اما از طرف دیگر می‌بینم که

«گرگ‌ها (دشمنان) با دست‌های کثیف و دندان‌های تیز، چگونه آماده اند تا جامعه را تکه تکه کنند، چطور برخی‌ها نمی‌بینند» دیدگاه امام علی (ع) اینگونه است که دشمن در انتظار نشستگی یک شکافی ایجاد و آنگاه به سمت امنیت حمله کند.

روزی معاویه گروهی از سپاه خود را که از آشوبگران بودند، اجیر می‌کند تا به سمت مرزهای حکومت علوی حمله کنند، زنان و کودکان را اذیت و آزار و قتل و غارت کنند و از آن جمله، سفیان بن عوف غامدی با شش هزار نفر به انبار تاخت و ابوحسان بن حسان بکری که از کارگزاران حضرت بود با ۳۰ نفر به مقابله با وی شتافت و کشته شد. پس از این اتفاق، حضرت فرمود: «فَيَا عَجَبًا عَجَبًا وَ اللَّهُ يُمِيتُ الْقُلُوبَ وَ يَجْلِبُ اللَّهُمَّ مِنَ اجْتِمَاعِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَرُّقِكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ فَقُبْحًا لَكُمْ وَ تَرَحُّا» (شگفتا، شگفتا! به خدا سوگند قلب را می‌میراند و غم و اندوه را به روح انسان سرازیر می‌کند که آنها در مسیر باطل خود، چنین متحدند و شما، در طریق حقتان، اینگونه پراکنده و متفرق!». در عصر حاضر هم،

گروه‌های مختلف از کوموله و ضد انقلاب گرفته تا صهیونیست و سلطنت طلب و... در حالی که نقاط مشترکی هم ندارند، اما برای مواضع باطلشان هم پیمان شدند تا آرامش و آسایش جامعه اسلامی را سلب کنند.

حضرت علی (ع) در ادامه می‌فرماید علت این است که شما خودتان را نساخته اید، و آگاه نشده اید که چنین اتفاقی رقم می‌می‌خورد.

اکنون جای این پرسش است که چرا ما چنین هستیم و آنان چنان؟ با توجه به تأکیدی‌های بی‌شمار کتاب و سنت بر وحدت و الفت در جامعه اسلامی و نیز تجربه‌های تلخ تاریخی ناشی از تفرقه و جدایی میان مردم و ملت‌های مسلمان، طبیعی است که این پرسش توجه انسان را به خود جلب می‌کند. پس چرا مسلمانان باز هم چنین متفرق هستند. مسلمانان تنها درباره یک چیز اتفاق و وحدت نظر دارند و آن اینکه درباره هیچ چیز اتفاق و وحدت نظر نداشته باشند. پاسخ این سوال به این نکته برمی‌گردد که

برای تحقق اجتماع و اتحاد، نه بر حق بودن کافی است و نه علم و آگاهی از اینکه بر حق هستیم. ممکن است اهل باطل متحد باشند و اهل حق متفرق. علاوه بر اعتقاد نظری به لزوم آن، نیازمند التزام عملی به لوازم آن هم است.

اهل باطل، چون همه هستی و منافع خود را در همین دنیا خلاصه می‌بینند و معمولاً نتیجه ملموس و عملی آن را نیز همین جا مشاهده می‌کنند، حاضر به همکاری و تساهل می‌شوند؛ هر چند در درازمدت بر سر همین منافع مادی و محدود نزاع پیدا می‌کنند و متفرق می‌شوند. اما متأسفانه اهل حق کمتر چنین هستند و هر کس حرف خودش را عین حق می‌داند و می‌خواهد همان را به کرسی بنشانند؛ ضمن آنکه با تحریک دشمنان بیرونی و شیطان درونی دچار وسوسه برتری جویی و زیاده‌خواهی هم می‌شود.

مسئله وحدت اسلامی فقط یک مسئله مذهبی نیست، بلکه به امنیت سیاسی، امنیت روانی جامعه و امنیت اجتماعی نیز بازمی‌گردد، ضمناً امام علی (ع) یک بعد اخروی نیز به این مسئله می‌دهند.

نکته مهم دیگر این که امام (ع) برای وحدت و اتحاد مسلمین، صبوری و شکیبایی می‌کند- نامه ۶۲ نهج البلاغه- بدین معنی که سکوت و صبر ما در دوری از قدرت و خلافت، تنها یک دلیل قابل تأمل داشت، و آن هم حفظ جامعه از اختلاف و تفرقه‌ای بود که چالش‌ها و تهدیدهایش بسیار مهم‌تر و زیان بار تر بود.

این امر برای ما بسیار قابل تأمل است، چراکه ممکن بود با اختلافی که در آن زمان بین مسلمین ایجاد می‌شد، بسیاری مردم از دین زده شده و اسلام به خطر می‌افتاد. این اتفاق برای ما درس بزرگی به همراه داشت چراکه در چنین موقعیت‌هایی، مذاهب و طیف‌های مختلف برای حفظ امنیت فرهنگی، آرامش و امنیت جانی مردم، باید دست و وحدت بدهند و آگاهان با یکدیگر همکاری کنند، امام (ع) می‌فرماید «من آگاهانه به مخالفان دست و وحدت دادم». امروز سران مذاهب شیعه و غیر شیعه باید به خاطر این مقوله با یکدیگر دست و وحدت بدهند برای اینکه جامعه اسلامی حفظ شود دشمن به شیعه و سنی و غیره رحم نخواهد کرد.

موضوع وحدت در جهان دارای چندین لایه است، یکی از این لایه‌ها، وحدت و اتحاد مذهبی است، بدین معنا که شیعیان باید با هم متحد باشند چراکه در درون خود شیعیان هم اختلافاتی وجود دارد لایه دیگر وحدت اسلامی است که بین شیعه و سنی مطرح است. همچنین اتحاد ادیانی بین ادیان توحیدی و پیروان پیامبران اولوالعزم به سبب نقطه اشتراکی که دارند، مطرح است.

اتحاد انسانی نیز یکی دیگر از لایه‌های وحدت است و در نهایت لایه پنجم وحدت در جهان، اتحاد اقتصادی است، بدین معنی که گاهی اوقات لازم است دشمنان با هم اتحاد داشته باشند.

قرآن کریم و کتاب واحد می‌تواند مبنای وحدت باشد. که سه وجه دارد. نخست، آیاتی که دعوت به وحدت می‌کنند، دوم، اصلاً نفس داشتن کتاب واحد خود وحدت آفرین هست و سوم احکامی که در آیات وجود دارد و ما را به مناسک و باورهای مشترک سوق می‌دهد.

امر دیگر پیامبر واحد هست. ما افتخار می‌کنیم. که از یک پیامبر هستیم و نقاط مشترک فراوانی از احادیث پیامبر (ص) داریم. بسیاری از علمای ما سعی کردند که فقه تقریب محور و اشتراکی تألیف کنند و ابعاد مشترک مذاهب اسلامی را برجسته کنند، بنابراین پیامبر محور وحدت هستند و احادیثی که از ایشان نقل شده می‌تواند ما را به یک جبهه واحد سوق بدهد.

شخص امام علی (ع)، برای هر دو مذهب قابل احترام هست. شیعیان امام (ع) را به عنوان امام و خلیفه رسول خدا (ص) می‌دانیم. اهل سنت نیز حب امیرالمومنین (ع) را دارند و ایشان را به عنوان شخصیتی که سخنش حجت است و در شرع مرجعیت دارد، می‌شناسند.

مبنای دیگر وحدت در جامعه اسلامی استضعاف اشخاص است بسیاری از انسان‌ها در یک لایه ورده نیستند و برخی‌ها استضعاف فکری دارند، یعنی ما نباید به این خاطر که شخصی شیعه نیست، با او برخورد کنیم، شاید توان فکری این شخص در همین حد است. شاید بررسی کرده و به چنین نتیجه‌ای رسیده و یا شاید در فضای رسانه‌ای وحشتناک دنیا و با تبلیغات وسیع علیه شیعه و سنی و عقایدشان، مستضعف است. چنین شخصی در جنگ تبلیغاتی نامتوازی که نه شیعه را قبول دارد و نه سنی، قربانی

عدم آگاهی است و نادانسته عمل می‌کند. و من و شما به عنوان شیعه باید حواسم باشد که اگر کسی شیعه نبود و طرفدار مکتبی از مکاتب غیر شیعه بود، با احترام برخورد کنیم، روی نقاط مشترک پافشاری کنیم و نه نقاط اختلافی

وقتی شیعه و سنی می‌بینند که سیلی خروشان در راه است و هم شیعه و هم سنی را نابود خواهد کرد، سیانت از ذات به ما حکم می‌کند که دست در دست هم گذاشته و در مقابل دشمن واحد و جریان خبیثی که جان و مال و ناموس مردم را نشانه گرفته، بایستیم.

وی در پایان عنوان کرد: رویکر ما به وحدت نه تخریب و نه تخریب، بلکه تقریب هست، تخریب به معنی آن است که ما به خاطر دیگران از عقاید خودمان کوتاه آمده و به نوعی در فرقه‌های دیگر ذوب شویم. و در عین حال دوست نداریم که آنها نیز از عقایدشان بر اساس مصالح و یا تهدید و... کوتاه بیایند. بلکه باید بر اساس منطق، عقل و تحقیق، به سمت حق گرایش پیدا کرد.

رویکرد تخریب نیز مورد پسند ما نیست، تخریب به معنی خراب کردن، توهین کردن و لعن کردن، این رویکرد شیعه امریکایی و انگلیسی است که متأسفانه تخریبی دارند پیش می‌روند.

تقریب به معنی گرد آمدن مسلمین حول محورهای اشتراکی در اسلام. نزدیک شدن شیعه و سنی براساس مؤلفه‌های متکثر و زندگی مسالمت آمیز و عدم تخاصم است.



دروغ‌گویی در بستر نفوذ فکری و فرهنگی رخ می‌دهد

فرهنگ و اجتماع

در نگرش مادی، اصل هدف، حقیقت و نگرش مبتنی بر «انسان» است و وقتی ملاک انسانیت، قدرت و ثروت باشد، طبیعی است که برای وصول این هدف مادی، هر کاری انجام گیرد. پس این یک مسأله، مبنایی است و اگر بخواهیم مسائل را حل کنیم، باید این ملاک تغییر کند.

دروغ‌گفتن‌های اخیر دشمنان در راستای نهضت تحریف است؛ آن هم برای اینکه حقایق را وارونه نشان دهند و ارزش را ضد ارزش جلوه دهند تا مردم کشور ما را نسبت به اسلام، جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی دچار خطای محاسباتی کنند.

از آنجایی که فضای مجازی و رسانه‌ها در اختیار دشمنان است از این طریق آنها می‌خواهند ذهنیت‌های جامعه ایرانی را عوض کنند.

چند سال پیش رهبر انقلاب بحث «نفوذ» را مطرح کردند و

نفوذ فکری و فرهنگی را به مهم‌ترین و خطرناک‌ترین نوع نفوذ دانستند؛ نفوذی که ارزش‌ها و باورهای مردم تغییر می‌دهد.

این نفوذ از طریق تحریف واقعیت اتفاق می‌افتد و طبیعی است در راستای براندازی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی بهترین راه نفوذ از طریق دروغ‌ها و تحریف واقعیت‌ها باشد.

وظیفه ما در این شرایط همان بحث «جهاد تبیین» است. معظم‌له در سال‌های اخیر تأکید خیلی بیش‌تر و ویژه درباره جهاد تبیین داشتند، چرا که جهاد تبیین در مقابل نهضت تحریف است.

این دستور جهاد، موقعی صادر شد که میدان، میدان مبارزه شد، زیرا وقتی طرف مقابل ما این نهضت تحریف را به صورت تهاجمی شروع کرده، ما چاره‌ای جز جهاد تبیین نداریم. جهاد تبیین به این معنا که حقایق را تبیین کنیم و با تحریف‌هایی که اتفاق می‌افتد مقابله کنیم؛ چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی. در واقع همان فضایی که دشمن تلاش کرده با همان دروغ‌ها این نهضت تحریف را جا بیندازد، ما هم در مقابل آن شیوه گام برداریم.

وقتی حریم‌های اجتماعی برداشته شوند ضریب حیا کم می‌شود

فرهنگ و اجتماع

حیا به لحاظ مفهومی، در لغت زبان عربی در مقابل وقاحت استفاده می‌شود و معادل فارسی وقاحت به معنای بی‌شرمی و حیا به معنای شرمساری است. در اخلاق، حیا حالتی نفسانی است که باعث خودداری از انجام برخی کارها می‌شود خودداری از انجام امور ناپسند.

وقتی در آیات و دین بررسی کنیم، حیا عوامل مختلفی می‌تواند داشته باشد. مثلاً ممکن است علت حیا ترس از سرزنش دیگران باشد یا ممکن است ترس از آبروی شخصی خود در موقعیت شغلی اش باشد که همگی نوعی حیا هستند که به خاطر انگیزه‌ای آن کار را انجام نمی‌دهد. منتها وقتی در آیات و روایات تمرکز می‌کنیم می‌بینیم مفهوم حیا متفاوت نیست ولی منشأ پیدایش این حالت، آن است که انسان خود را در محضر خدا می‌بیند می‌گوید چون خدا او را می‌بیند از انجام این کار حیا می‌کند. به نظر می‌رسد معنای لغت حیا در دین هم همین بوده است اما تفاوت آن در منشأ پیدایش حیا است. یعنی به جای ترس از آبروی خود یا سرزنش دیگران، علت اصلی عدم انجام کار مورد نظر حاضر و ناظر دیدن خدا باشد. پس تفاوت، در جنبه انگیزه است. مثلاً شیخ مفید در کتاب امالی ص ۶۷ نقل کرده است که

وقاحت با هر چیزی همراه بشود آن چیز را زشت می‌کند و حیا با هر چیزی همراه بشود آن را زیبا می‌کند.

برای مثال امیرالمومنین علیه السلام بین حیا و نجابت ارتباط برقرار می‌کنند و می‌فرمایند کسی که حیا دارد از انجام برخی کارها خود را نگه می‌دارد. اگر فرد دیندار باشد جنبه الهی هم پیدا می‌کند. وقتی بیشتر در روایات عمیق می‌شویم، چندین سبب را برای حیا می‌توانیم در نظر بگیریم یکی از عوامل ایجاد حیا عقل است. مثلاً در روایتی داریم که راهبی مسیحی از پیامبر در مورد عقل سوال کرد. پیامبر در جواب عقل را مسبب حیا دانستند و فرمودند هر کس عقل داشته باشد از انجام برخی امور خودداری می‌کند، یکی دیگر از عوامل حیا **ایمان** است که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که ایمان باعث می‌شود که انسان برخی کارها را انجام ندهد.

از دیگر موانع که برای ایجاد حیا نیز ذکر شده است حریم‌های اجتماعی است. در روایتی از امام کاظم

علیه السلام داریم که فرمودند که شما هر گاه با دوستان رابطه برقرار می‌کنید حریمی را حفظ کنید. اگر آن حریم را زیرپا بگذارید دوستان شما کارهایی را که حیا می‌کردند انجام بدهند را انجام می‌دهند. پس نتیجه می‌گیریم که حریم‌های اجتماعی وقتی که برداشته شوند و قبح‌های اجتماعی از بین بروند ضریب حیا کم می‌شود.

یکی دیگر از عوامل کاهش حیا، **نیاز و فقر** است. در روایتی از امام صادق علیه السلام در کتاب کافی جلد ص ۱۴۸ آمده است که دست نیاز به سوی دیگران داشتن حیا را از بین می‌برد. پس فقر مقابل حیا است. عامل دیگر سخن زیاد است و عامل دیگر از بین رفتن حیا در کلام امام رضا علیه السلام شراب خواری است.

اصل حیا خوب است ولی همیشه حیا خوب نیست مثلاً حیا از درخواست حق واقعی خود، باعث از بین رفتن حق می‌شود و گذشت از حق نتیجه‌ای جز جری تر شدن ظالم ندارد.

در روایتی از پیامبر اکرم (ص) در کتاب کافی جلد ص ۱۱۱ آمده است که هیچ کاری را از روی ریا انجام نده ولی از حقت از روی حیا نگذر

یکی از دیگر از مواردی که حیا مذموم است در سوال پرسیدن است از چیزی که نمی‌دانیم. همچنین در کسب درآمد حلال حیا مذموم است و نباید از کسب مال حلال حیا کرد. از درخواست کردن از خداوند هم نباید حیا کرد و همه چیز را باید از خداوند درخواست کرد که در روایت داریم حتی بند کفش خود را از خدا بخواهید. یکی دیگر از مواردی که حیا مذموم است خدمت به خانواده است که در روایات ذکر شده است که مردی از خدمت به خانواده خود در مقابل امام صادق خجالت کشید ولی امام صادق علیه السلام او را از حیا کردن از خدمت به خانواده منع کردند.

حاکمیت نقش زمینه سازی را در این مهم دارد و کار اصلی توسط مردم انجام می‌گیرد. اما حاکمیت می‌تواند بسترهایی که باعث تقویت حیا و ایمان می‌شود را گسترش دهد. هرچه فرهنگ عقلانیت در جامعه رشد کند حیا بالاتر می‌رود. شاید حاکمیت نتواند مردم را وادار به حیا کند ولی می‌تواند عواملی که باعث ایجاد حیا در جامعه شود را ایجاد کند و موانع آن را کاهش دهد. برای مثال اگر حاکمیت بتواند ضریب فقر را پایین بیاورد طبیعتاً مانع حیا را کاهش داده است پس انتظار ما از حاکمیت بحث زمینه سازی در حیا است.

بخش‌هایی از این مسأله نیز مربوط به بحث روانشناختی است. برای مثال وقتی در جامعه نقش‌های تعریف شده برای بانوان محدود باشد، متناسب با همان روابط محدود، حیا در دین تعریف شده است اما وقتی نقش‌های جدیدی در جامعه برای زن تعریف می‌شود باید حیا هم در آن نقش‌ها تبیین شود.

عنصر دیگر جامعه، خانواده است و نوع رفتار در خانواده بسیار در جامعه تأثیر دارد. در نتیجه بخشی از وظیفه در اختیار خود افراد، برخی در اختیار خانواده و برخی وظایف مربوط به حاکمیت است. اما سوالی که مطرح می‌شود این است که خانواده‌ها چرا موفق نبوده‌اند؟

نخبگانی که باید برای نقش‌های جدید اجتماعی حیا را تعریف می‌کردند و حکمرانی که باید بسترسازی ایجاد حیا انجام می‌داده است همگی در نهادینه سازی حیا در جامعه نقش داشته و دارند.



منبع- خبرگزاری مهر، قالب: گفتگو (۱۴۰۱/۷/۱۲)

گشودن پنجره‌های گفت‌وگو با نسل جدید لازم است

فرهنگ و اجتماع

هر چه جلوتر می‌رویم، به دلیل پیشرفت و اقتدار روزافزون کشورمان، در اردوگاه مخالفان نظام جمهوری اسلامی، همگرایی بیشتر می‌شود؛ گروه‌های ریز و درشت معاند که موجودیت خود را در خطر می‌بینند، با تمام قوا و با هم به میدان می‌آیند؛ این صف‌آرایی جدید با تلاش‌های مؤذیانة استکبار جهانی امریکا و صهیونیسم در این سال‌ها رخ نمون شده است. در حوادث و اغتشاشات اخیر، فعالان فمنیست با طرح شعارهای موهنی چون «زن، زندگی، آزادی» در فضای مجازی موج سواری می‌کنند و با تولید یا بازنشر مطالب گمراه‌کننده، سعی در انحراف افکار عمومی دارند. شبکه‌های بیگانه نظیر ایران اینترنشنال، بی.بی.سی و... چهره‌های رسانه‌ای مخالف نظام مثل مسیح علی‌نژاد و... مدتهاست پشت شعارهای عوامفربانه و با زدن بر طبل موضوعاتی چون آزادی، حقوق زنان، حقوق بشر و... با توسل به انواع ترفندهای خبری چون برجسته‌سازی، هشتگ‌زنی، توثیق‌نویسی، برپایی کمپین و انتشار شایعات و اخبار جعلی، تهییج و دعوت به خشونت‌ورزی، اعتراض و آشوب می‌کنند.

گروهک منافقین به سرکردگی چهره‌ور شکسته‌ای چون مریم رجوی با آن کارنامه‌سیاه و خفت‌بار مشخص در ظاهر خود را ناجی ملت معرفی نموده اما در باطن با حضور مستقیم در اغتشاشات خیابانی، عملیات‌های تخریب و کشته‌سازی را اجرا می‌کنند، گروهک‌های تجزیه‌طلب مانند کومه‌می‌کوشند تا با تحریک احساسات اقوام کرد، بلوچ و عرب انسجام ملی را هدف قرار داده و از آب گل‌آلود ماهی خود را بگیرند. تروریست‌های تکفیری درصد بمب‌گذاری و ایجاد انفجار در محافل عمومی و برهم زدن امنیت ملی، روانی و فیزیکی جامعه‌اند و به طرح سوری‌سازی ایران به طور جدی می‌اندیشند، سلطنت‌طلبان هنوز سودای بازگرداندن تاج و تخت را دارند و با استخدام و به‌کارگیری اوباش و مجرمان سابقه‌دار حمله به اماکن و اموال عمومی و دولتی را در دستور کار خود قرار می‌دهند و...

مهم ضرورت تبیین چرایی و چگونگی عداوت‌ورزی، توطنه‌ها، خیانت‌ها، آشوب‌افکنی‌ها، فتنه‌اندازی‌ها و جنایت‌های دنباله‌دار دشمنان قسم‌خورده ملت ایران از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز برای مخاطبان جوان و نسل‌های چهارم انقلاب است. نسل‌های اول، دوم و سوم انقلاب با پوست و گوشت خود به دلیل قرار گرفتن در بطن حوادث، این دشمنی‌ها را از نزدیک لمس کرده‌اند؛ اما جوانان دهه هشتادی به دلیل شرایط اندک سنی‌شان، نیازمند تشریح این‌گونه مسائل‌اند تا تحت تأثیر فضای هیجانی موجود در فضای مجازی قرار نگیرند، با القائات مغرضان، حقایق را واژگونه دریافت ننمایند

و به عنوان سیاهی لشکر، مورد سوء استفاده اشزار، گروه‌های معاند، تروریست‌ها، سلطنت‌طلبان و تجزیه‌طلبان قرار نگیرند. فراموش نکنیم اگر در این خصوص دست روی دست گذاشته شود،

دشمن بی‌کار نمی‌نشیند و روایت جهت‌دار خود را از قضایا به مخاطب عرضه می‌کند؛

بدیهی است هر گونه کم‌کاری، اهمال و سستی در این زمینه در شرایط جاری مجاز نیست.

در عصر سلطه رسانه‌ها و بنگاه‌های خبر پراکنی،

**گشودن پنجره‌های گفت‌وگو با نسل جدید لازم است؛ نسلی با احساسات و عواطف حساس؛
نسلی آرمان‌گرا و مطالبه‌گر، نسلی کنج‌کاو و دغدغه‌مند، نسلی که در محاصره بی‌امان
غفلت، گمراهی و نیرنگ است،**

نسلی که به جهت دارا بودن وجدانی بیدار، گوش شنوایی برای شنیدن حقایق دارد و با سلامت نفس کم‌نظیر خود اهل گفت و شنود است، نسلی که به دلیل خصایص خلقی و اخلاقی خود بی‌باک است و از مواجهه و مناظره نمی‌هراسد. «ساختن فردایی بهتر و ایمن‌تر» از جمله دغدغه‌های رهبر معظم انقلاب است که این مهم جز با اتکای بر نیروی جوانان و دانشجویان وطن، شدنی نیست؛ نسل جوان یک نسل آتیه‌ساز است و در صورت اعتماد به وی، می‌تواند گره‌ها را باز کند و در این صورت است که شکاف‌ها به جای تعمیق، ترمیم می‌شوند.



جایگاه تجربه عرفانی در اندیشه دینی غرب

فرهنگ و اجتماع

نگاه تاریخ‌گرایانه به فلسفه عرفان در سنت غرب را باید با تمرکز بر تجربه عرفانی آغاز کرد و شاید برای این تمرکز اندکی باید بر تجربه دینی توجه نمود. زیرا پس از عهد رنسانس عقل‌گروی فلسفی نقد جدی شد و بنیان‌های عقلی ایمان مسیحی آماج حملات کانتی قرار گرفت و با این حملات الهیات مسیحی از محدوده عقل نظری خارج گشت و استدلال عقلی برای اثبات مدعیات مسیحی ناکارآمد تلقی شد، چنان‌که تجربه‌گروی علمی رو به فزونی نهاد و معیار سنجش همه گزاره‌های پیش‌روی بشر انتخاب شد و چون گزاره‌های دینی از محدوده این گونه سنجش بیرون بوده و هست، از دلیل تهی گشت و الهیات مسیحی بی‌بنیان شد، بلکه تعارضات بسیاری به عنوان نقد بر دین مسیحی به بیان آمد. این چالش بزرگ، یعنی

ناکارآمدی استدلال عقلی برای اثبات گزاره‌های دینی و سنجش‌ناپذیری تجربی آن گزاره‌ها،
ایمان مسیحی را به خطر انداخت و آن را از ارجاع به فلسفه و علم منع ساخت

و این خطر متکلمان مسیحی را به فکر واداشت تا در مقام دفاع برآیند. در این مقام دو گونه اقدام صورت گرفته، یکی ایمان‌گروی و دیگری تجربه‌گروی دینی؛ که اولی به نوعی به کلی با عقل و علم تعارض دارد و دومی هر چند از عقل فاصله گرفت، لیکن به نوعی با مشرب علمی یعنی تجربه‌گرایی به علم نزدیک شده است.

ایمان‌گروی دیدگاهی است که نظام اعتقادات دینی را موضوع ارزیابی و سنجش عقلی نمی‌داند. قلمرو دین، قلمرو ایمان است، نه عقل و نه علم. چراکه گزاره‌های دینی فراتر از عقل و علم هستند. این گرایش دو رویکرد دارد، یکی ایمان‌گروی افراطی که از سوی سورن کرکگور بنیان نهاده شد. این رویکرد ایمان را ضد عقلانیت دانسته و جمع ایمان و عقل را پارادوکسیکال برشمرده است. دیگری ایمان‌گروی اعتدالی است که توسط لودویک ویتگنشتاین شکل گرفته است. این رویکرد ایمان را نه ضد عقلانی، بلکه غیر عقلانی می‌داند، به این معنا که حوزه مسایل دینی، تخصصاً خارج از ارزیابی عقلانی است.

اما تجربه‌گروی دینی، از دو مفهوم « تجربه » و « دینی » ترکیب یافته که محتوای دیرین، لیکن مفهومی به نسبت جدید دارد و زادگاه آن نیز غرب نوین است.

این نگاه تجربی به دین در اواخر سده هجدهم و اوایل سده نوزدهم با تلاش شلایرماخر در دو اثر « درباره دین » و « ایمان مسیحی » ظهور کرده و با نام تجربه دینی به عنوان یک جریان فکری گسترده حیات رسمی یافته است؛ جریانی که می‌کوشد تا ایمان دینی را از نیاز به استدلال متافیزیکی و یا توجیه اخلاقی یا تبیین علمی رها، و از دایره مفاهیم مستقل، و بر تجربه دینی استوار سازد؛ تجربه‌ای که اساس دین بر یک لحظه آن قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که از هر گونه ارجاع‌گری و تحویل‌گری به غیر دین مبرا است. این جریان پس از شلایرماخر، توسط ویلیام جیمز با تألیف سرنوشت‌ساز « تنوع تجربه دینی » و ردولف اتو با تألیف

« مفهوم امر قدسی » گامی بلند برداشت و از سوی سایر فیلسوفان توسعه چشم‌گیر و فزاینده‌ای یافت. اما این فیلسوفان برای فهم مفهوم تجربه دینی و شناخت گونه‌های متنوع آن می‌بایست راهی را می‌پیمودند و این، موجب التفات شدید آنان به تجربیات عرفانی شد؛ تجربیاتی که از سوی دین‌داران عرفانی مشرب، گزارش شده و اندوخته‌ای را برای استخراج مؤلفه‌های ذاتی و عرضی تجربه دینی فراهم ساخته، کاری که ویلیام جیمز در اثر تنوع تجربه دینی خود صورت داده و ارائه داده است و این، جایگاه تجربه عرفانی را در جریان تفکر تجربه‌گروی دینی نشان می‌دهد. بر این اساس فیلسوفان به تحلیل تجربه عرفانی پرداخته‌اند و در این باره آثاری متعدد و مؤثری را نوشته‌اند که در کتاب فلسفه عرفان، ماهیت، مؤلفه‌ها و به برخی از آن آثار پرداخته و توصیف مختصری از آن ارائه داده ایم.

منبع- سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قالب: یادداشت (۱۴۰۱/۷/۳۰)



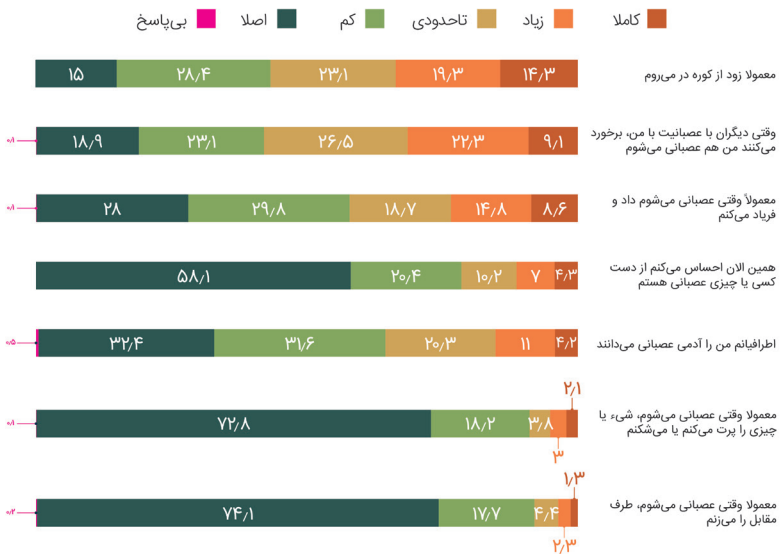
منبع- سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قالب: یادداشت (۱۴۰۱/۷/۳۰)

سنجش احساس خشم در مردم ایران

فرهنگ و اجتماع

احساس خشم در بین مردم ایران

از پاسخگویان سؤال شد که تا چه میزان گویه‌های زیر در مورد آن‌ها صدق می‌کند (اعداد نمودار به درصد است):



اسفندماه ۱۴۰۰ | ۲۰۸۸ | ۱۸+ سال | کل کشور | مصاحبه تلفنی
 روابط عمومی اسپسا | ispa.ir | ispa_polling | ۱۱۵

پیامبر اعظم (ص) درآینه نهج البلاغه؛

- پیغمبر اکرم مبعوث شد تا مردم را از جهل و ضلالت نجات دهد و به خدای متعال رهنمون شود و معرفت صحیح به آن‌ها مرحمت کند.
- ائمه اهل بیت (علیهم السلام) قیاس و اثبات احکام بوسیله عقل‌های متعارفی را که ما داریم نهی می‌کردند.
- انسان عقلش به بعضی چیزها، نه هیچ وقت رسیده و نه هیچ وقت خواهد رسید. مانند بسیاری از جزئیات مربوط به مسائل اعتقادی، مثل آنچه که مربوط به معاد است.
- حساب انبیا از نوابغ و علما، از حکماً و مخترعین جداست. نه علم جای دین را می‌گیرد و نه پیشرفت عقل و فلسفه و نه عرفان متعارف ما را از دین بی‌نیاز می‌کند.

نظام و رهبری

حجت الاسلام محسن مهاجرنیا؛ رئیس اندیشکده مطالعات طلوع مهر

- امروز کار بسیار دشوار شده، شما امروز باید برای نسلی تبیین کنید که دیگر گوش شنوا ندارد. چون وارد مبارزه و تقابل و میدان شده است، اینجا دیگر جای نصیحت نیست.
- انقلاب اسلامی از میان زن بی‌هویت زمان طاغوت، عفت و حجاب آورد، ولی امروز داریم آن هویت بخشی را از دست می‌دهیم.
- وقتی رهبری می‌گویند جهاد تبیین و ضرورت و وجوبش را مطرح می‌کنند، یعنی همین کیستی خودمان، چیستی خودمان، هویت گذشته خودمان و موجودیت خودمان را بررسی و بازسازی کنیم.

- در اسلام صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز مسئله‌ای اصیل و ریشه‌دار است این رهیافت، پیوندی ناگسستنی با طبیعت اسلام و نظریه عمومی و کلی آن درباره جهان و زندگی انسان دارد.
- سماحت و گذشت، حسن خلق و معاشرت نیکو از بارزترین ویژگی‌های پیامبر بزرگوار اسلام بوده است، که این ویژگی‌ها از شاخص‌های مهم فرهنگ صلح محسوب می‌شوند.

سید سعیدرضا عاملی؛ دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

- در سواد مجازی بخش‌هایی وجود دارد که یکی از آنها سواد تحلیلی است و ضرورت دارد این بخش به شهروندان آموزش داده شود روزانه در کشور ۳۰۰ میلیارد پست الکترونیک ارسال می‌گردد.
- اگر در بازسازی محتوای ساختار فرهنگی کشور عده‌ای بیرون بیفتند در این مهم موفق نشده‌ایم.

عبدالحسین کلانتری؛ دبیر جشنواره بین‌المللی فارابی

- باید به جایی برسیم که علوم انسانی بتواند مشکلات جامعه را حل کند و این علم به مسیری برای حل مشکلات مردم تبدیل شود.
- ارتقای مطالبه‌گری و پاسخگویی مسؤولان، کاهش شکاف میان مسؤولان و مردم، ارائه راهکارهایی برای ارتقای سرمایه اجتماعی و امید از دیگر کارکردهای علوم انسانی است.

حجت الاسلام خسروپناه؛ معاون علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی

- چگونه نسل‌های جوان و نوجوان ما با وجود محبت فوق‌العاده به اهل بیت علیهم‌السلام و شهدای انقلاب، گرفتار جنگ شناختی هستند.
- تنها راه مبارزه با جنگ شناختی، جهاد فرهنگی از طریق ساخت نرم‌افزارهای کاربردی و راه اندازی سامانه هوشمند ملی است که بارها رهبری فرمودند.

فرهنگ و دانشگاه

سرلشکر سلامی: فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

- یک جبهه ائتلافی عظیم برای تغییر تاریخ، صحنه سیاست جهان، جغرافیای سیاسی، نقشه هندسه سیاسی و امنیتی قدرت در جهان شکل گرفته است.
- کاری انقلاب اسلامی این بود که تاثیر و میدان جاذبه این قدرت را کوچک کرد البته به فیزیک قدرت دست نزد، اما تاثیر قدرت نظام سلطه را از بین برد.
- اساتید باید در مقابل دروغ پراکنی‌های رسانه‌ها بایستند و به اندک جوانان فریب خورده گوشزد کنند که از تزویر و ریاکاری دشمن تبعیت نکنند.

فرهنگ و دانشگاه

حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای: رییس قوه قضاییه

- باید باب گفت‌وگو را در کشور بسط و گسترش دهیم و گفت‌وگومحوری و تضارب آراء و تعاطی افکار را به یک فرهنگ عمومی تبدیل کنیم.
- باید در امر عدم کارآمدی و عدم استفاده از نیروهای متخصص و نخبه، گره و اشکال کار را شناسایی کنیم.
- معتقدیم که باید علل این اتفاقات را ریشه‌یابی کنیم و اگر به دنبال منشا مشکل نیرویم دوباره تکرار می‌شود.

فرهنگ و دانشگاه

علی خضریان: نماینده مردم تهران و سخنگوی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

- جامعه در شرایط ابهام و تردید، به گروه‌های مرجع خود و خواص رجوع می‌کند. اگر آنها برای اظهار حق به صحنه نیایند و سکوت کنند، جامعه به دلیل بقای فضای ابهام دچار فتنه می‌شود. شفاف سازی و بصیرت افزایی نسبت به ابعاد فتنه از سوی نخبگان جریان حق، یکی از اساسی ترین راه‌های مقابله با فتنه است و محیط دانشگاه ظرفیت مهمی برای اجرای این موضوع است.
- جریان دانشجویی جدای از نقش کنش‌گری در جنگ نرم، مطالبه‌گران اصلی برای به خط کردن دیگر نخبگان اجتماعی هستند.

محمد علی اسلامی: مدیرکل فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف

- کلاس های درس دانشگاه ها یکی از بهترین محل ها برای آزاداندیشی است، پیشنهاد این است که هر کلاس درس یک کرسی آزاد اندیشی باشد.

سعید طاووسی مسرور؛ عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی

- مسیحیان در ۱۸۰ فیلم به معرفی عیسی (ع) پرداخته اند ولی درباره پیامبر اسلام (ص) تنها دو فیلم فاخر تهیه شده است.
- ضعف نظری باعث شده که نویسندگان حوزه دین که می خواهند درباره پیامبر اسلام (ص) داستان بنویسند نداند چگونه باید بنویسد؟

عبدالحسین کلانتری؛ معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت عتف

- فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در دانشگاه باید توسط دانشجویان و مجموعه های دانشجویی صورت گیرد و کارها تا حد امکان به آنها واگذار شود.
- باید فضای گفت و گویی میان اساتید با یکدیگر، اساتید با دانشجویان و دانشجویان با دانشجویان را فعال کرد همچنانکه باید حضور مسئولان در دانشگاه و تقویت فرهنگ پاسخگویی و تبیین به طور جدی دنبال شود.

آیت الله ریسی؛ رئیس جمهور

- روشنفکران، فرهیختگان و نخبگان جامعه متولی اصلی دیدبانی و رصد تحولات بوده و باید پیش از دیگران آسیب ها را شناسایی کرده و به موقع نسبت به آنها هشدار دهند.
- گفتگو و تبادل نظر به رفع شبهات و ارائه پیشنهادات موثر برای تسریع در تحقق هدف کمک زیادی می کند.
- اجرای موفق طرح تحول در ساختار فرهنگی کشور نیازمند هدایت کارها از یک ستاد و مرکز بوده که رهبر معظم انقلاب اسلامی رهنمودهای لازم را ارائه کردند.

محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

فرهنگ و جامعه

- هر فعالیت تازه ای در زمینه بازسازی ساختار فرهنگ و هنر نیازمند آسیب شناسی جدی از وضعیت فعلی است.
- در طول یک دهه گذشته اقتصاد فرهنگ حکمرانی به شدت تضعیف شده و مدیریت فرهنگی از سوی حاکمیت آسیب دیده است.
- اندیشمندان بزرگ از قرن سوم، از فارابی و امام محمد غزالی گرفته تا حضرت امام خمینی (ره) به عنوان پرچمدار تشکیل دولت دینی، همگی کار اول سیاست را سعادت مردم در دنیا و آخرت ذکر می کنند.

شریف لکزایی: عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ اسلامی

فرهنگ و جامعه

- کسی که می خواهد متصدی یک منصب سیاسی یا اجتماعی شود به طور طبیعی نیازمند حداقل آشنایی ها با سیاست است.
- فردی که قرار است بخشی از سامانه اداره جامعه اسلامی باشد نمی تواند و نباید در قضایای گوناگون ناعادلانه رفتار کند.
- در نگاهی کلان تر یک مسئول و خواص تراز انقلاب باید دغدغه فرهنگی داشته و با حوزه فرهنگ آشنا باشد.

حامد پور رستمی: پژوهشگر نهج البلاغه و عضو هیات علمی دانشگاه تهران

فرهنگ و جامعه

- «گرگ ها (دشمنان) با دست های کثیف و دندان های تیز، چگونه آماده اند تا جامعه را تکه تکه کنند، چطور برخی ها نمی بینند» دیدگاه امام علی (ع) اینگونه است که دشمن در انتظار نشسته یک شکافی ایجاد و آنگاه به سمت امنیت حمله کند.
- گروه های مختلف از کوموله و ضد انقلاب گرفته تا صهیونیست و سلطنت طلب و در حالی که نقاط مشترکی هم ندارند، اما برای مواضع باطلشان هم پیمان شدند تا آرامش و آسایش جامعه اسلامی را سلب کنند.
- برای تحقق اجتماع و اتحاد، نه بر حق بودن کافی است و نه علم و آگاهی از اینکه بر حق هستیم. ممکن است اهل باطل متحد باشند و اهل حق متفرق. علاوه بر اعتقاد نظری به لزوم آن، نیازمند التزام عملی به لوازم آن هم است.
- تقریب به معنی گرد آمدن مسلمین حول محورهای اشتراکی در اسلام. نزدیک شدن شیعه و سنی براساس مؤلفه های متکثر و زندگی مسالمت آمیز و عدم تخاصم است.

حجت الاسلام صفدر الهی‌راد، عضو هیأت علمی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

- نفوذ فکری و فرهنگی را به مهم‌ترین و خطرناک‌ترین نوع نفوذ دانستند؛ نفوذی که ارزش‌ها و باورهای مردم تغییر می‌دهد.

حجت الاسلام سید مصطفی حسینی نسب: استاد حوزه علمیه

- وقاحت با هر چیزی همراه بشود آن چیز را زشت می‌کند و حیا با هر چیزی همراه بشود آن را زیبا می‌کند.
- اصل حیا خوب است ولی همیشه حیا خوب نیست مثلاً حیا از درخواست حق واقعی خود، باعث از بین رفتن حق می‌شود و گذشت از حق نتیجه‌ای جز جری تر شدن ظالم ندارد نخبگانی که باید برای نقش‌های جدید اجتماعی حیا را تعریف می‌کردند و حکمرانی که باید بسترسازی ایجاد حیا انجام می‌داده است همگی در نهادینه سازی حیا در جامعه نقش داشته و دارند.

محمد حسن شاهنگی: عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- دشمن بی‌کار نمی‌نشیند و روایت جهت‌دار خود را از قضایا به مخاطب عرضه می‌کند.
- گشودن پنجره‌های گفت‌وگو با نسل جدید لازم است؛ نسلی با احساسات و عواطف حساس؛ نسلی آرمان‌گرا و مطالبه‌گر، نسلی کنجکاو و دغدغه‌مند، نسلی که در محاصره بی‌امان غفلت، گمراهی و نیرنگ است.

حجت الاسلام علی فضلی: مدیر گروه عرفان پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

- ناکارآمدی استدلال عقلی برای اثبات گزاره‌های دینی و سنجش ناپذیری تجربی آن گزاره‌ها، ایمان مسیحی را به خطر انداخت و آن را از ارجاع به فلسفه و علم منع ساخت
- اما تجربه‌گروی دینی، از دو مفهوم «تجربه» و «دینی» ترکیب یافته که محتوای دیرین، لیکن مفهومی به نسبت جدید دارد و زادگاه آن نیز غرب نوین است.

دیپراه، گزارشی است که ماهانه از اهم دیدگاه صاحب‌نظران (یادداشت، سخنرانی و گفتگو) در خصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی تهیه می‌شود. این دیدگاه‌ها در رسانه‌ها و درگاه‌های سازمانی منتشر شده‌اند و دفتر مطالعات فرهنگی جهاددانشگاهی تلاش می‌کند منتخبی از آن‌ها را در اختیار مخاطبان خود قرار دهد.

این دفتر کوشیده است دیدگاه‌های مهم را پوشش دهد و قطعاً کاستی‌های آن، با اعلام نظر همکاران مرتفع خواهد شد.